

Analytical Study of Models and Frameworks of Higher Education Governance in the World: A Review of Meta-Narrative or Semi-Systematic

Elham Haririan Tavakoli¹, Maghsood Ferasatkhah^{*} , Baharak Shirzad Kebria² & Fatemeh Hamidifar³

1. Higher Education Management Ph.D. Candidate, Department of Educational Management and Higher Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
- * Corresponding Author: Professor, Department of Planning in Higher Education, Institute for Research & Planning in Higher Education, Tehran, Iran. Email: m_ferasatkhah@irphe.ir
2. Assistant Professor, Department of Educational Management and Higher Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Educational Management and Higher Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

Objectives: The main purpose of this study is to investigate the governance models of higher education systematically. To achieve this goal, researchers analyzed related articles and documents by applying a semi-systematic or meta-narrative review method based on the "Hana Snyder Guide to Systematic Review in Management Field" and the standard provided by "Wong et al." In general, the study seeks to identify and evaluate all the potential relevant researches which have implications for the subject matter. The study combines and analyzes all the relevant studies to present a better understanding of the subject matter instead of measuring the influence of the result.

Materials and Methods: To conduct the research, all the relevant documents were retrieved by searching the related keywords in reputable English and Persian scientific databases. Next, documents in which governance models of higher education presented or discussed were considered relevant documents to the research topic to conduct the semi-systematic review of the written works of Iranian and foreign authors. Then researchers by applying qualitative content analysis coded and categorized the content of the selected models in Atlas T application. Finally, governance dimensions were analyzed based on the results obtained in the qualitative content analysis and semi-systematic review.

Discussion and Conclusions: Higher education governance is defined as a system of power derived from laws, policies, and rules that determine the responsibilities of different actors in the higher education system, and in which universities operate in general. Although higher education governance structures are very different around the world, some common patterns could be recognized. The study aimed to identify these common patterns, dimensions, components, and indicators of governance in the studied models. Findings of the research show that over the past three decades, theoretical conceptualization in this field has been significantly expanded, and fundamental models have been developed based on the Clark model. The review confirms the results of previous studies about the existence of two trends regarding proposed models of higher education governance. In addition, the findings show that among the dimensions of governance, academic autonomy, institutional power balance, and university funding stratifies have been mostly under consideration.

Keywords: Academic Autonomy, University Funding, Governance System analysis, Higher Education Governance, Typology of Higher Education Governance, Governance Framework.

Haririan Tavakoli, E., Ferasatkhah, M., Shirzad Kebria, B., & Hamidifar, F. (2022). Analytical Study of Models and Frameworks of Higher Education Governance in the World: A Review of Meta-Narrative or Semi-Systematic. *Journal of Management and Planning in Educational System*, 15(2), 81-112. doi: [10.48308/MPES.2022.102167](https://doi.org/10.48308/MPES.2022.102167)



بررسی تحلیلی مدل‌ها و چارچوب‌های حکمرانی آموزش عالی در جهان: مرور فرا روایت یا شبه نظام‌مند

الهام حریریان توکلی^۱، مقصود فراستخواه^{۱b}، بهارک شیرزاد کبریا^۲ و فاطمه حمیدی فر^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی، گروه مدیریت آموزشی و آموزش عالی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
- * نویسنده مسئول: استاد، گروه برنامه‌ریزی آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ایران
m_farasatkah@irp.phc.ir
۲. استادیار، گروه مدیریت آموزشی و آموزش عالی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۳. استادیار، گروه مدیریت آموزشی و آموزش عالی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

هدف: هدف اصلی این پژوهش بررسی تحلیلی و نظام‌مند مدل‌های حکمرانی آموزش عالی است. برای دستیابی به این هدف، پژوهشگران با استفاده از روش مرور فرا روایت یا مرور شبه نظام‌مند مقاله‌ها و مستندات مرتبط را بررسی کردند. مرور شبه نظام‌مند در این پژوهش مبتنی بر «راهنمای هانااسنایدر برای مرور نظام‌مند در حوزه مدیریت» و استاندارد ارائه شده توسط «ونگ و همکاران» انجام شده است. به‌طور کلی، این بررسی به دنبال شناسایی و تحلیل پژوهش‌هایی مرتبط، که ممکن است پیامدهایی برای موضوع مورد مطالعه داشته باشند است و به‌جای اندازه‌گیری تأثیر، آن‌ها را ترکیب و تحلیل می‌کند تا ادراک بهتری از موضوع مورد مطالعه ارائه کند.

مواد و روش‌ها: برای انجام این پژوهش مدارک مرتبط با کلیدواژه‌های مرتبط در پایگاه‌های اطلاعات علمی معتبر انگلیسی فارسی و انگلیسی‌بازیابی شد. در گام بعد به‌منظور انجام مرور شبه نظام‌مند آثار مکتوب نویسندگان ایرانی و خارجی، و مقاله‌هایی که در آن‌ها مدل حکمرانی آموزش عالی ارائه شده بود یا درباره مدل‌های حکمرانی آموزش بحث شده بود به‌عنوان مقاله‌های مرتبط با موضوع پژوهش انتخاب گردید و پس از آن پژوهشگران با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی محتوای مدل‌های منتخب را با استفاده از نرم‌افزار اطلس‌تی کدگذاری و مقوله‌بندی کردند و در آخر نیز تحلیل ابعاد حکمرانی بر پایه نتایج به‌دست‌آمده در تحلیل محتوای کیفی و مرور شبه نظام‌مند انجام شد.

بحث و نتیجه‌گیری: حکمرانی آموزش عالی به‌نظام قدرت ناشی از قوانین، سیاست‌ها و قواعد گفته می‌شود که مسئولیت‌های بازیگران مختلف را در نظام آموزش عالی معین می‌کند و دانشگاه‌ها در بستر آن فعالیت می‌کنند. با وجود این‌که این نظام‌ها در نظام آموزش عالی کشورها متفاوت است، الگوهای مشترکی بین آن‌ها وجود دارد. هدف این پژوهش شناسایی الگوهای مشترک، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی در مدل‌های بررسی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در طول سه دهه گذشته مفهوم‌سازی نظری در این زمینه، گسترش قابل توجهی پیدا کرده است و مدل‌های بنیادی مبتنی بر مدل کلارک ایجاد شده است. این تحلیل نتایج پژوهش‌های پیشین درباره وجود دو جریان در مدل‌های حکمرانی آموزش عالی را تأیید می‌کند. هم‌چنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از میان ابعاد حکمرانی بعد استقلال دانشگاهی، تعادل نهادی قدرت و سازوکار تأمین منابع مالی بیش از سایر ابعاد در مدل‌های حکمرانی مورد توجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: استقلال دانشگاهی، تأمین منابع مالی، تحلیل نظام حکمرانی، حکمرانی آموزش عالی، گونه‌شناسی حکمرانی آموزش عالی، مدل‌ها و چارچوب‌ها.

مقدمه

واژه حکمرانی به واژه یونانی «کیو برمن»^۱ به معنی هدایت کردن یا اداره کردن برمی‌گردد و توسط افلاطون در رابطه با چگونگی طراحی نظام حکومت استفاده شده است. این مفهوم به صورت عمومی به نحوه تنظیم روابط بخش دولتی^۲ (عمومی) با بخش خصوصی و تعامل آن‌ها برای ایجاد فرصت در جامعه اشاره دارد که در آن موضوع اختیار و مسئولیت‌ها در ساختارهای اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این واژه در گذشته معادل حاکمیت و دولت استفاده می‌شد تا این‌که در دهه ۱۹۹۰ برخی از پژوهشگران به آن معنی تازه دادند و از آن زمان استفاده از مفهوم حکمرانی در تحقیقات علوم اجتماعی رونق گرفت (یوزهو،^۳ ۲۰۰۴). «دی بور و فیلی»^۴ حکمرانی را مفهومی در زمینه فعالیت‌های کنترل جمعی برای دستیابی به اهداف مشترک قلمداد می‌کنند. تمهیداتی که در آن بازیگران عمومی و خصوصی به دنبال حل مشکلات اجتماعی یا ایجاد فرصت‌های اجتماعی هستند (دی بور و فیلی، ۲۰۰۸).

حکمرانی آموزش عالی در یک تعریف عام به جهت و رویکرد اقدام‌های دولت یا اقدام نکردن آن در پاسخ به مشکلات عمومی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به آموزش عالی مرتبط است تعبیر شده است (پک کولا و کی‌ویستو^۵ ۲۰۱۶). اتحادیه اروپا در سند یوریدیس^۶ (۲۰۰۸) این نوع حکمرانی را «قدرت رسمی و غیررسمی ناشی از قوانین، سیاست‌ها و قواعد تعریف می‌کند که مسئولیت‌های بازیگران مختلف و چگونگی پاسخگویی آن‌ها را معین می‌کند» این تعریف را می‌توان زیر بنای بسیاری از پژوهش‌های حکمرانی آموزش عالی (بران و مرین^۷ ۱۹۹۹، کلارک^۸ ۱۹۸۳، کویری^۹ و دیگران ۲۰۰۳، دی بور^{۱۰} و دیگران ۲۰۰۶، یوریدیس^{۱۱} ۲۰۰۸، گودی‌جی‌بوری^{۱۲} و دیگران ۱۹۹۴، کام و لانزدورف^{۱۳} ۲۰۰۶، هاننی^{۱۴} ۲۰۰۰، کولر و هایبر^{۱۵} ۲۰۰۶، لیسیت^{۱۶} ۲۰۰۷، و اوای‌سی‌دی^{۱۷} ۲۰۰۸) قلمداد کرد (دی بور و فیلی ۲۰۰۸). حکمرانی در دو سطح درونی (نهادی) و بیرونی (سیستم) مؤسسه آموزش عالی قابل بررسی است. حکمرانی درونی به ترتیبات نهادی مانند: خطوط قدرت، فرایند تصمیم‌گیری، مدیریت هزینه و اعتبار در درون مؤسسه، و حکمرانی بیرونی به ترتیبات نهادی در سطح کلان یا سیستم آموزش عالی مانند: قوانین و آیین‌نامه‌ها، تأمین مالی و نظام ارزیابی آموزش عالی می‌پردازد؛ بنابراین، حکمرانی آموزش عالی به‌عنوان هماهنگی درونی و بیرونی آموزش و پژوهش شناخته می‌شود. این هماهنگی ممکن است به صورت رسمی و غیررسمی باشد (دی بور و فیلی ۲۰۰۸). توسعه آموزش عالی به‌عنوان یکی از عوامل پیشران توسعه‌یافتگی در گرو

1. Kubernan
2. Public
3. Yuzhuo
4. File & Boer De
5. Kivistö Jussi And Pekkola Elias
6. Eurydice
7. Braun And Merrien
8. Clark
9. Currie
10. De Boer
11. Eurydice
12. Goedegebuure
13. Kehm & Lanzendorf
14. Hanney
15. Kohler And Huber
16. Leisyte
17. Oecd

حکمرانی مناسب دانشگاه است. اتخاذ حکمرانی خوب در دانشگاه موجب تحقق اهداف و در نتیجه پاسخ به نیازها و انتظارات ذی‌نفعان خواهد شد. دستیابی به چشم‌انداز بیست‌ساله کشور در حوزه آموزش عالی به‌ویژه کسب رتبه نخست علمی و اقتصادی منطقه نیازمند تغییر رویکرد در حکمرانی آموزش عالی (عطافر، انصاری، طالبی و نیلی پورطباطبایی، ۱۳۸۸) و تغییر در زمینه‌هایی مانند: درآمدزایی، خصوصی‌سازی و افزایش روابط میان صنعت و دانشگاه و نزدیکی با تقاضای بازار کار (فتح الهی، یمینی، صباغیان، فراستخواه و قاضی طباطبایی، ۱۳۹۳) و به‌طور کلی ایجاد اصلاحات در بخش ساختاری و کاهش نقش دولت‌ها است (ولی‌محمدی، ۱۳۹۷). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که از یک سو حکمرانی خوب باعث کاهش فساد در آموزش عالی می‌شود (پاداش زیوه و خدایانه، ۱۳۹۴) و از سوی دیگر تفکر سیستمی اساسی‌ترین رکن برای برنامه‌ریزی اثربخش در حوزه آموزش عالی است (تقدیری، ۱۳۹۴). ظهور چالش‌های جدید در آموزش عالی، پیشران دیگر حکمرانی است. پژوهشگران این چالش‌ها را در حوزه‌های ارتباطات بین‌المللی، میان‌رشته‌ای، ارتباط با صنعت و حوزه‌های نوین علم شناسائی کرده‌اند (سلیمی ۱۳۹۸).

با وجود این‌که ساختارهای حکمرانی آموزش عالی در سراسر جهان بسیار متفاوت است، اما الگوهای مشترکی بین آن‌ها وجود دارد (آلتبچ، ۲۰۰۵). با این حال پژوهشگران معدودی به بررسی تحلیلی مدل‌های حکمرانی آموزش عالی پرداخته‌اند. هدف این مقاله بررسی تحلیلی مدل‌ها و چارچوب‌های ارائه شده برای حکمرانی در حوزه آموزش عالی و بررسی ارتباطات میان آن‌ها، و کشف الگوی مشترک میان آن‌ها است. به‌عبارت دیگر این مقاله به دنبال آن است که به این پرسش پاسخ دهد که مدل‌ها و چارچوب‌های ارائه شده در زمینه حکمرانی آموزش عالی چه عناصر و مؤلفه‌های مشترکی دارند و ارتباط میان آن‌ها چیست؟ مدل‌های ارائه شده از نظر معرفت‌شناختی به کدام‌یک از رویکردها و روش‌های نظری پیشین گرایش دارند؟ به‌عبارت‌دیگر این مقاله به دنبال آن است که جریان‌های فکری در این زمینه را شناسایی و معین کند که موضوع مورد مطالعه در رویکردهای مختلف پژوهش گسترش یافته است. کاربست روش مرور فراروایت می‌تواند به تبیین بهتر الگوها و وجوه مشترک میان آن‌ها کمک کند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

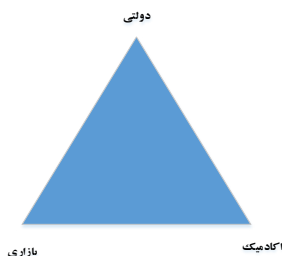
مدل‌ها و چارچوب‌های حکمرانی دانشگاهی
مثلث هماهنگی کلارک^۲

سال‌های بسیاری است که «مثلث هماهنگی» بورتون آرکلارک (۱۹۸۳) به‌عنوان یک مدل مرجع در سطح گسترده‌ای برای نشان دادن وضعیت حکمرانی در نظام‌های آموزش عالی استفاده می‌شود. این مثلث یک چارچوب انعطاف‌پذیر را ارائه می‌دهد که از طریق آن می‌توان روابط متقابل بین بازیگران اصلی در یک سیستم آموزش عالی را تجزیه و تحلیل کرد. از دیدگاه کلارک نظام هماهنگی و قدرت یک سیستم دانشگاهی از ترکیب تعامل یا رقابت سه بازیگر دولت، بازار و دانشگاهیان شکل می‌گیرد. او این عوامل را به‌عنوان سه ضلع مثلثی معرفی می‌کند که تمایل به سمت هرکدام از آن‌ها می‌تواند نوعی از الگوی حکمرانی را شکل دهد (ماجیجو، ۲۰۱۱)^۲.

در دسته اول دولت از طریق وضع قوانین و مقررات حاکم بر دانشگاه، دخالت در نحوه اداره دانشگاه و تأمین منابع مالی آن بیشترین سهم از قدرت در حکمرانی دانشگاه را دارد و اراده خود را بر دانشگاه تحمیل می‌کند. این مدل که نمونه‌های آن در شوروی سابق (روسیه)، چین و سنگاپور دیده می‌شود، بدترین دخالت دولت در امور دانشگاهی است. در دسته دوم مرکز ثقل قدرت در اداره امور دانشگاه در

1. Altbach
2. Clark's Triangle Of Coordination
3. Maggio

ضلع بخش خصوصی است. در این مدل بخش خصوصی منبع اصلی تأمین منابع مالی دانشگاه است و تمرکز آموزش بر تربیت نیروی انسانی برای تأمین منابع انسانی بخش خصوصی است. دانشگاه‌های آمریکا و استرالیا نمونه‌هایی از این دسته هستند. در دسته سوم الگوی حکمرانی به نحوی است که دانشگاه استقلال کامل داشته و توسط هیئت امانا اداره می‌شود و هیئت امنای این دانشگاه‌ها نقش هیئت حکمرانی دانشگاه را دارد. در واقع در این الگو دانشگاه به صورت مستقل و براساس اعتماد عمومی توسط جامعه دانشگاهی اداره می‌شود. این روش حکمرانی بیشترین سازگاری را با سرشت دانشگاه دارد و تنها در این الگو است که خودگردانی اساسی دانشگاه محقق می‌شود. این الگو در کشورهای انگلستان و تاحدی در ژاپن، نیوزلند، هلند، ایرلند و آلمان مشاهده می‌شود (کلارک، ۲۰۰۴ نقل از فراستخواه، ۱۳۹۶: ۱۹۴).

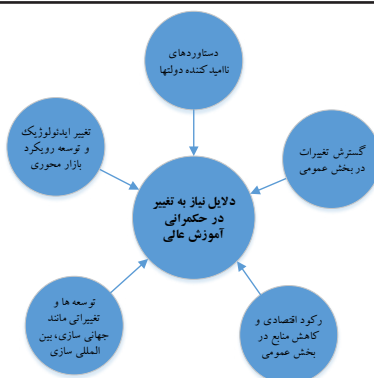


شکل ۱. مثلث هماهنگی کلارک (کلارک ۱۹۸۳)

مدل اکولایزر حکمرانی

مدل اکولایزر حکمرانی یک ابزار تحلیلی است در سال ۲۰۰۷ برای تحلیل تغییرات حکمرانی در آموزش عالی ارائه شده است. نویسندگان در این مدل به بررسی تأثیر تغییر رویکرد در مدیریت عمومی^۱ که موجی از تغییرات را در سال ۱۹۸۰ با ظهور دولت تاچر^۲ در انگلستان در بخش عمومی و از جمله در حکمرانی آموزش عالی ایجاد کرد توجه ویژه کرده‌اند. آن‌ها علت پایه و اصلی افزایش توجه به حکمرانی در این سال‌ها را با شکست رویکردهای حکمرانی دولتی مرتبط می‌دانند و رکود اقتصادی، کاهش منابع، تغییراتی مانند جهانی‌سازی، بین‌المللی شدن، دستاوردهای ناامیدکننده دولت‌ها، تغییر ایدئولوژیک و توسعه رویکرد بازار محوری، گسترش تغییرات در بخش عمومی را دلایل نیاز به تغییر در حکمرانی آموزش عالی برمی‌شمارند (دی بور، اندرس و اسپیمانک^۳، ۲۰۰۷).

1. Npm New Public Management
2. Thatcher
3. De Boer, H., Enders, J., & Schimank, U



شکل ۲. دلایل نیاز به تغییر در حکمرانی آموزش عالی (دی بور و همکاران، ۲۰۰۷)

مدل اکولایزر حکمرانی که هم‌راستا با تغییرات اجتماعی پیش‌گفته ارائه شده است شامل پنج بعد است. علت نام‌گذاری این مدل به اکولایزر این است که ارائه‌کنندگان این مدل، برای نشان دادن دیدگاه تحلیلی خود در زمینه تغییرات حکمرانی، اکولایزر دستگاه‌های الکترونیکی که امکان تقویت و تضعیف فرکانس‌ها در یک طیف رادیویی فراهم می‌کند را به استعاره می‌گیرند و تحولات حکمرانی آموزش عالی انگلستان، اتریش، آلمان، هلند را از سال ۱۹۸۰ تا حال را با استفاده از مدل اکولایزر حکمرانی تحلیل می‌کنند. آن‌ها هم‌چنین یافته‌های خود را با استفاده از ابزار اکولایزر مصورسازی می‌کنند.

پنج بعد مدل اکولایزر به شرح زیر است:

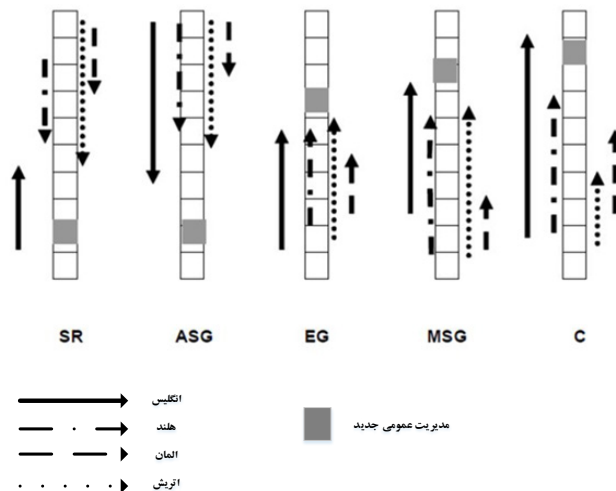
- مقررات‌گذاری دولتی: به مفهوم سنتی بالا به پائین قدرت که در اختیار دولت است؛ مانند مقررات‌گذاری و تعیین تکلیف توسط مدیران ارشد اشاره دارد.
- هدایت ذی‌نفعان: به فعالیت‌های مربوط می‌شود که دانشگاه از طریق مشاوره یا تنظیم اهداف رهبری می‌کند.
- خود حکمرانی دانشگاهی: به مفهوم تصمیم‌گیری دانشگاه و خود فرماندهی درون دانشگاه توسط متخصصان و شوراهای دانشگاهی است.
- خود حکمرانی مدیریتی: سلسله‌مراتب درون دانشگاهی و نقش راهبران دانشگاه را در فرایندهای تصمیم‌گیری و مقررات‌گذاری نشان می‌دهد.
- رقابت بین دانشگاه‌ها و درون دانشگاه‌ها: این رقابت در زمینه منابع فیزیکی، منابع انسانی، اعتبار، و مالی است.

این الگو بر این پایه استوار است که کاهش جهت‌گیری حکمرانی از یک رویکرد الزاماً به مفهوم افزایش یک رویکرد دوم نیست. اکولایزر حکمرانی برگرفته از نوع‌شناسی موجود در مبانی نظری پیشین حکمرانی آموزش عالی، به‌ویژه مثلث هماهنگی کلارک و مکعب حکمرانی است. در این مدل مقررات‌گذاری دولتی و هدایت ذی‌نفعان نشان‌دهنده دو حالت نفوذ دولت است. به بیان دیگر ارائه‌کنندگان این مدل نظریه اقتدار دولتی کلارک را به دو دسته قانون‌گذاری مستقیم به‌وسیله دولت، و هدایت بیرونی به‌وسیله نمایندگان دولت تقسیم می‌کنند.

به این ترتیب مفهوم خود حکمرانی دانشگاهی را می‌توان به‌عنوان یک بازنویسی از نظریه اولیگارش^۱ دانشگاهی کلارک در نظر گرفت. بعد رقابت که در این مدل به آن اشاره شده است نیز با مکانیزم مستقل

1. Oligarchy

حکمرانی یا هماهنگی بازار محور در ترمینولوژی کلارک مرتبط است. از سوی دیگر «خود حکمرانی مدیریتی» که در بعد چهارم اشاره شده، از مطالعات کلارک در دانشگاه کارآفرینی درباره ابعاد رهبری مدیریتی در حکمرانی مؤسسه‌ای دانشگاه‌ها اقتباس شده است (دی بور و همکاران، ۲۰۰۷؛ دی بور، اندرس و اسپیمانک، ۲۰۰۸).



شکل ۳. اکولایزر حکمرانی (دی بور و همکاران، ۲۰۰۷)

چارچوب تحلیلی دابینز و همکاران

میشل دابینز^۱ و همکاران در سال ۲۰۱۱ چارچوب تحلیلی برای مقایسه بین کشوری حکمرانی آموزش عالی ارائه کردند. این چارچوب یکی از روش‌های یکپارچه است که با رویکرد نظام‌مند، تغییرات در حال جریان در سیستم آموزش عالی اروپا را تحلیل می‌کند. آن‌ها در این چارچوب که بر پایه سه مدل تاریخی مرتبط با آموزش عالی اروپا شامل: مدل حکمرانی خودگردان دانشگاهی (مدل هومبولتی)، مدل دولت‌محور و مدل بازارمحور ارائه شده است طبقه‌بندی نظام‌مند از شاخص‌های تجربی آموزش عالی ارائه می‌کنند و سیستم حکمرانی آموزش عالی را به ابعاد مشاهده‌پذیر تجربی می‌شکنند.

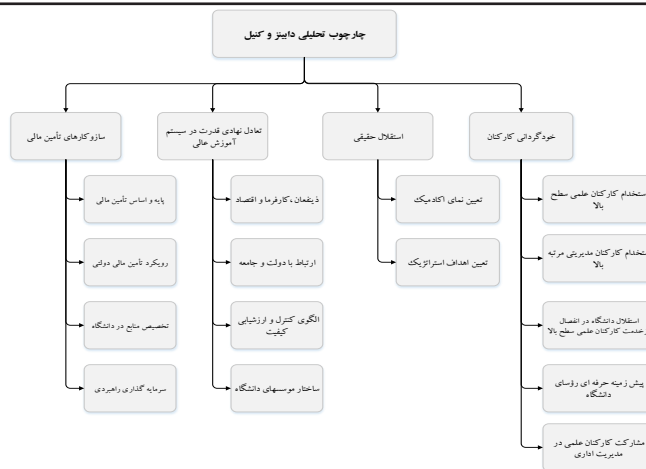
این طبقه‌بندی بر پایه مرور مطالعات نظری حکمرانی به‌ویژه آثار کلارک ۱۹۸۳ نیو^۲ ۱۹۸۰ و ۲۰۰۳ اولسن^۳ ۲۰۰۷ استرمن^۴ و نوکالا^۵ ۲۰۰۹ و جونگبلود^۶ ۲۰۰۳ ایجاد شده است. جدول شماره یک ابعاد اصلی، فرعی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های سنجش آن‌ها را در سه رویکرد حکمرانی آموزش عالی نشان می‌دهد (دابینز، کنیل، و وگتلی^۷، ۲۰۱۱).

1. Dobbins
2. Neave
3. Olsen
4. Estermann
5. Nokkala
6. Jongbloe
7. Dobbins, M., Knill, C., & Vögtle, E. M

جدول ۱. تعادل نهادی قدرت در آموزش عالی (دایبیز و همکاران، ۲۰۱۱)

بعد اصلی	بعد فرعی	مؤلفه	مدل دولت‌گرا	مدل بازار محور	حکمرانی آکادمیک
		اصلی‌ترین کنشگران در تصمیم‌سازی	دولت	مدیر دانشگاه	اجتماع اعضای هیئت‌علمی و مدیران حرفه‌ای
		ساختار سازمانی	نمایندگان دولتی	بنگاه	مشارکت بنگاهی دانشگاه و دولت
	ساختار مؤسسه‌های دانشگاه	رویکرد مدیریت غالب	دیوان‌سالاری	کارآفرینانه	هم کارانه دانشگاهی
		مأموریت اصلی دانشگاه	برآورده‌سازی اهداف اقتصادی اجتماعی دولت	ارائه خدمات به مصرف‌کننده آکادمیک و برآورده‌سازی تقاضای بازار	آزادی آکادمیک و تعهد طولانی‌مدت به تولید دانش
تعادل نهادی قدرت		چه کسی کنترل یا ارزشیابی می‌کند؟	وزارتخانه	بدنه‌های ارزشیابی و اعتباربخشی دولتی یا شبه‌دولتی	خودارزیابی به‌وسیله همکاران دانشگاهی
	الگوی کنترل و ارزشیابی کیفیت	چه چیزی کنترل می‌شود؟	فرایند آکادمیک	کیفیت محصولات آکادمیک	کیفیت برونده‌های تحقیقی و انتشارات
		چه زمانی ارزشیابی انجام می‌شود؟	قبل از اعلام (ارزیابی درونی)	بعد از اعلام ارزیابی (بیرونی)	اقتضایی و برحسب تقاضای دانشگاه
		تمرکز ارزشیابی کیفیت	اهداف دولتی/ملی	الزامات اقتصادی، جهانی، منطقه‌ای و محلی کارایی و انعطاف‌پذیری	دستیابی به اهداف علمی و پژوهشی
	ارتباط با دولت و جامعه	ابزارهای کنترل دولتی	طراحی سیستمی برنامه‌ریزی منابع انسانی	مشوق‌های برانگیزاننده برای رقابت، بهبود کیفیت	چارچوب مالی و قانونی
		جهت‌گیری و مطلوبیت تدریس و تحقیق	بر اساس تعریف دولت	تقاضاهای بازار	پیشرفت علمی
	ذی‌نفعان، کارفرما و اقتصاد	وظیفه ذی‌نفعان کارفرما و کارکرد اقتصادی	کنترل	بازاریابی	محدودشده (بالتوجه: مدافعان بیرونی مؤسسه)
		انتصاب به‌وسیله	دولت	مدیریت دانشگاه	دانشگاهیان

پژوهشگران مقوله‌های مرتبط با حکمرانی آموزش عالی در ایران را بر پایه محتوای اسناد برنامه‌های پنج‌گانه توسعه و با استفاده از چارچوب تحلیلی دایبیز و کنیل تحلیل کرده‌اند. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که الگوی حکمرانی آموزش عالی در ایران در برنامه اول دولت‌گرا، در برنامه دوم دولت‌گرا و بازار محور، در برنامه سوم و چهارم الگوی هومبولتی و در برنامه پنجم به الگوی بازارگرا، نزدیک است (فتح الهی و همکاران، ۱۳۹۳).



شکل ۴. چارچوب تحلیلی دابینز و همکاران (دابینز و همکاران، ۲۰۱۱)

مدل سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۱

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در گزارشی با عنوان «تغییرات الگوی حکمرانی در آموزش عالی در کشورهای درحال توسعه» بررسی تحلیلی این بخش را در این کشورها مستند می‌کند. اگرچه این سازمان در گزارش خود مدعی ارائه مدل نیست؛ ولی با توجه به تکرارپذیری این الگو در بررسی عملکرد کشورها می‌توان آن را در زمره مدل‌های تحلیل حکمرانی قرارداد.

اوایی‌سی‌دی در این گزارش عنوان می‌کند که امروزه تمام کشورهای عضو این سازمان در حال تغییر نظام حکمرانی آموزش عالی خود هستند و اگرچه در قرن بیستم حکومت‌ها کنترل و نفوذ قابل توجهی در این بخش داشته‌اند در حال حاضر این رویکرد به شدت در حال تغییر است. از یک سو دولت‌ها علاقه‌مند هستند که اطمینان حاصل کنند مؤسسه‌های آموزشی به رفع نیازهای اقتصادی و اجتماعی و جوامع دانش‌محور کمک می‌کند از سوی دیگر دولت‌ها پذیرفته‌اند که کنترل و برنامه‌ریزی مرکزی خلق دانش و فرایند آموزش غالباً ناکارآمد است و استقلال مؤسسه‌های آموزش عالی برای ایجاد روش اقتصادی در جامعه ضروری است. اوایی‌سی‌دی در این گزارش پنج بعد میزان آزادی مؤسسه‌ها در فعالیت‌های مربوط به خود، میزان وابستگی‌های مراکز آموزشی به بودجه‌های دولتی یا سایر منابع مالی، تقویت حکمرانی مؤسسه‌ها، سیستم‌ها و روش‌های تضمین و کنترل کیفیت، نقش رهبران مؤسسه‌های آموزشی برای بررسی حکمرانی آموزش عالی در کشورها معرفی می‌کند (تحلیل سیاست آموزش: تغییر الگوی حکمرانی در آموزش عالی^۲، ۲۰۰۳).

1. Organization For Economic Cooperation And Development
 2. Education Policy Analysis: Changing Patterns Of Governance In Higher Education

جدول ۲. ابعاد حکمرانی از دیدگاه اوایی‌سی‌دی (تحلیل سیاست آموزش: تغییر الگوی حکمرانی در آموزش عالی، ۲۰۰۳)

میزان آزادی دانشگاه‌ها در:	استقلال نهادی
مالکیت ساختمان و تجهیزات، استقراض مالی، هزینه بودجه در راستای اهداف، تصویب ساختار سازمانی و محتوای آموزشی، استخدام و اخراج کارکنان دانشگاهی، تعیین میزان حقوق، تعیین تعداد دانشجو، تعیین میزان شهریه.	
منابع دولتی	تأمین منابع مالی
سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در تحقیق و توسعه ^۱	
کیفیت‌سنجی توسط مؤسسه دولتی	ارزشیابی کیفیت
ایجاد مؤسسه کیفیت‌سنجی مشارکتی دانشگاه‌ها	
اژانس‌های ارزیابی کیفیت مستقل	
تعداد اعضای هیئت‌های تصمیم‌گیر دانشگاه (هیئت‌امنا، شوراها، دانشگاه)	بدنه اصلی حکمرانی
ترکیب (تعداد اعضای بیرونی، تعداد اعضای درونی دانشگاه)	
نحوه انتصاب (توسط وزیر، توسط رئیس دانشگاه، با رأی اعضای علمی دانشگاه)	
اختیارات شوراها، دانشگاهی (قوانین و مقررات آموزشی، استراتژی و راهبرد دانشگاه، تعیین شاخص‌ها و نحوه به‌کارگیری اعضای علمی)	
انتخاب مدیران ارشد و رهبران دانشگاه و تأیید آن‌ها.	

چارچوب براون^۲

چارچوب براون تلاشی در جهت ترکیب اصطلاحات جدید بخش عمومی در بخش آموزش عالی است. براون دو محرک اصلی برای تغییر در نحوه حکمرانی آموزش عالی را از یک‌سو تغییر در رویکرد اجتماعی نسبت به دانشگاه و در نظر گرفتن دانشگاه به‌عنوان یک مؤسسه فرهنگی، و از سوی دیگر محوریت دانشگاه در توسعه اقتصادی می‌داند. براین اساس و به‌منظور ارائه مدل هم‌راستا با تغییرات جدید مدیریت عمومی چارچوب اکتشافی با عنوان مدیریت جدید به‌عنوان یک روش «متمایز حکمرانی» ارائه می‌کند. سه ویژگی اصلی که مدیریت جدید را از مدل‌های بوروکراتیک و اولیگارش‌ی و بازار محوری متمایز می‌کند عبارت‌اند از: تقویت سطح میانی (مدیران میانی)، تعیین اولویت‌ها و محوریت مشتری است. تقویت سطح میانی مدیریت دلالت بر قدرت رؤسای دانشگاه و ضعف جامعه دانشگاهی یا اولیگارش‌ی در سطح نهادی حکمرانی است. آن‌ها در این مدل بین سودمندگرایی و غیر سودمندی اخلاقی استقلال حقیقی و خودمختاری رویه‌ای تمایز قائل شده است (براون، ۱۹۹۹). بر اساس این مدل نظام‌های آموزش عالی در سه دسته زیر قرار می‌گیرند:

۱. فرهنگ غیرسودمند/ سودمند (براساس درجه مشتری‌مداری و خدمات)

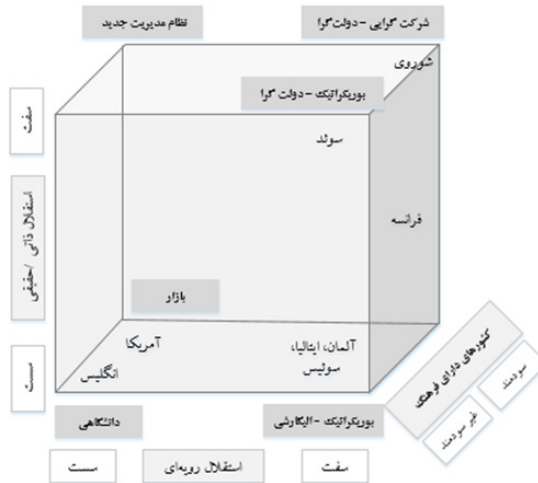
۲. مدل رویه‌ای بی‌قاعده/ مقید (براساس درجه کنترل حکمرانی از سوی دولت)؛

۳. مدل حقیقی بی‌قاعده/ مقید (براساس درجه قابلیت هدف‌گذاری دولت‌ها)

در این مدل، بین کنترل سخت یا سست دانشگاه‌ها از سوی سیاست‌گذاران در حوزه‌های سیاست‌های جذب و ارزشیابی کارکنان، و سیاست‌های ظرفیت جذب دانشجویان (بعد رویه‌ای) و هدف‌گذاری سست یا سخت دولت در ابعاد اساسی فعالیت دانشگاه‌ها (برنامه‌ها و اهداف آموزشی و پژوهشی) تمایز قائل می‌شود. قابل اشاره است که ابعاد استقلال رویه‌ای و استقلال ذاتی از سوی بردها (۱۹۹۹) برای ابعاد استقلال دانشگاهی پیشنهاد شده است. همچنین در این مدل کشورها طبق پیشنهادات کلارک (۱۹۸۳) روی مدل ترسیم شده‌اند. «مکعب حکمروایی» نشان می‌دهد که باید مدیریت‌گرایی جدید را به‌عنوان روش حکمروایی در میان سیستم‌های دیگر حکمروایی آموزش عالی قرار دهیم (براون، ۱۹۹۹).

1. R&D

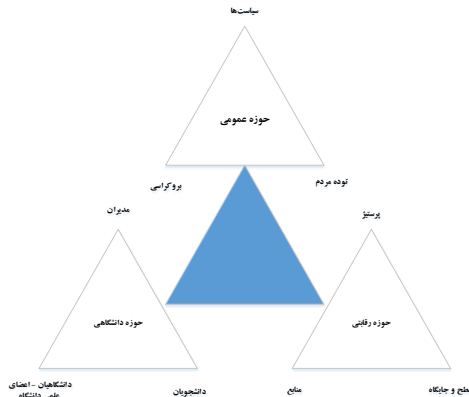
2. Dietmar Braun



شکل ۵. مکعب حکمرانی آموزش عالی (براون، ۱۹۹۹)

مدل سالازار و لای‌های^۱

«سالازار و لای‌های» دو پژوهشگر استرالیایی در سال ۲۰۱۱ ادعا می‌کنند که باتوجه‌به تغییرات گسترده در آموزش عالی و نظام هماهنگی آن ویژگی‌ها و مفروضات مثلث هماهنگی کلارک نیاز به تغییر دارد. در نتیجه آن‌ها با اقتباس از کلارک، مدل جدید اکتشافی^۲ برای هماهنگی دانشگاهی، تحت عنوان میکروسوموگرافی^۳ ارائه می‌کنند. آن‌ها ادعا می‌کنند که این مدل اکتشافی جدید، محدود به زمان کمتری است و مقایسه توزیع قدرت در دانشگاه‌ها را ساده و امکان‌پذیر می‌کند. (سالازار و لای‌های، ۲۰۱۱)

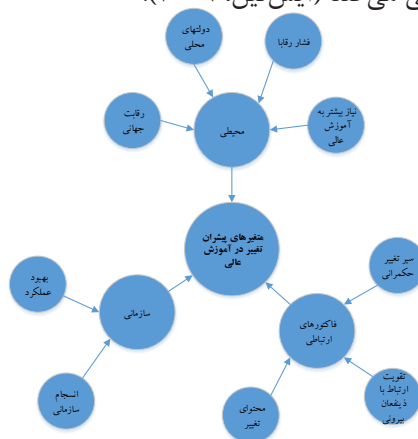


شکل ۶. میکروسوموگرافی مدل جدید اکتشافی حکمرانی آموزش عالی (سالازار و لای‌های، ۲۰۱۱)

1. Jose Salazar & Peodair Leihy
2. Heuristic
3. Microcosmography

مدل آیس‌تین

آیس‌تین در سال ۲۰۰۹، ساختار حکمرانی آموزش عالی در دانشگاه یودیبوی هند را مورد بررسی قرار می‌دهد. تمرکز وی در این مطالعه بررسی سه بعد تغییرات سازمانی شامل: عواملی که تغییرات در حکمرانی را برمی‌انگیزد، محتوای تغییر و فرایند تغییر است. وی سه متغیر پیشران تغییر در آموزش عالی شامل: سازمانی (بهبود عملکرد، انسجام سازمانی)، محیطی (رقابت جهانی دولت‌های محلی، فشار رقابت‌های سایر ارائه‌دهندگان آموزش عالی، نیاز ذی‌نفعان برای دستیابی بیشتر به آموزش عالی) و فاکتورهای ارتباطی (تمایل به تقویت ارتباط با ذی‌نفعان بیرونی، محتوای تغییر: سیر تغییر حکمرانی، بررسی محتوای تغییر در حکمرانی آموزش عالی) را شناسایی می‌کند (آیس‌تین، ۲۰۰۹).



شکل ۷. متغیرهای پیشران تغییر در آموزش عالی (آیس‌تین، ۲۰۰۹)

حکمرانی نظام‌مند ترکیبی در نظام آموزش عالی اروپا

کاپانو و پری‌تونی^۱ با بررسی ۶۵۰ سند ملی قانون یا مقررات مربوط به آموزش عالی (از ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۴) در ۱۲ کشور اروپایی (اتریش، دانمارک، انگلستان، فنلاند، فرانسه، یونان، ایرلند، ایتالیا، هلند) نظریه‌ای با عنوان گوناگونی حکمرانی نظام‌مند ترکیبی در نظام آموزش عالی اروپا^۲ ارائه می‌کنند. وی در این پژوهش که با فهرستی از مقررات مربوط در سیاست ملی آموزش عالی، شامل قوانین، احکام، بخشنامه‌ها و مقررات وزارتی که بر سیستم آموزش عالی هر کشور تأثیرگذار بودند را گردآوری و با روش تحلیل محتوای کیفی کدگذاری و تحلیل می‌کند. آن‌ها در این پژوهش وضعیت این کشورها را در چهار بعد مقررات‌گذاری، هزینه، وضع مالیات و اطلاعات بر مبنای اسناد پیش‌گفته بررسی و گزارش می‌کنند. آن‌ها ابراز می‌کنند که به دلیل ماهیت پیچیده و ترکیبی، مدل‌ها و الگوهای کلاسیک ارزیابی حکمرانی آموزش عالی قادر به بازنمایی وضعیت آموزش عالی در کشورها نیستند. نتایج پژوهش آن‌ها سه گونه حکمرانی نظام‌مند ترکیبی شامل گونه مبتنی بر عملکرد، گونه باز تنظیم شده و گونه هدف‌گرای نظام‌مند را در اروپا نشان می‌دهد (کاپانو و پری‌تونی، ۲۰۱۸).

1. Pritioni & Capano

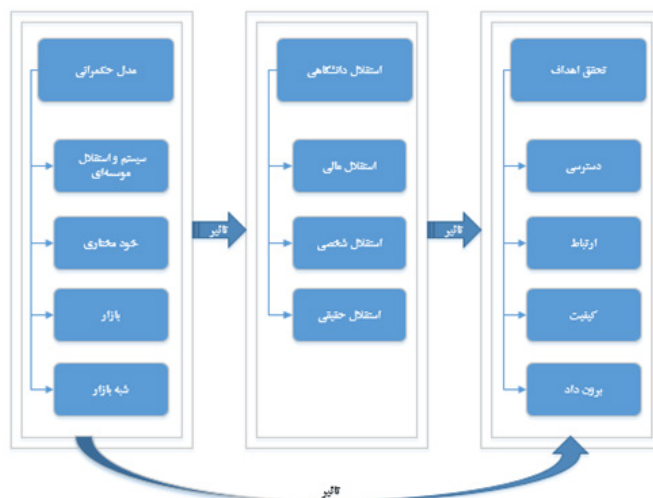
2. Varieties Of Hybrid Systemic Governance In European Higher Education

مدل حکمرانی دانشگاه پزشکی

نورکاینووا^۱ برای رسیدن به مدلی برای حکمرانی دانشگاهی پزشکی در قزاقستان، با بررسی مدل‌های حکمرانی دانشگاهی پزشکی به این نتیجه رسید که این مدل‌ها به‌طور کافی بر تعامل تیم مدیریت برای رسیدن به مجموعه‌ای از اهداف متمرکز نیستند؛ بنابراین لازم است افزایش نظام‌مندی در زمینه مدیریت آموزش پزشکی برای به‌کارگیری تمامی دسته‌ها، کارمندان اداری و رؤسای گروه‌های دانشگاه‌های علوم پزشکی در قزاقستان به وجود آید. او خلأ مدل‌ها را در برنامه‌ریزی استراتژیک برای توسعه دانشگاه در محیط خدمات آموزشی رقابتی قلمداد می‌کند و مدل خود را با تمرکز بر برنامه‌ریزی استراتژیک ارائه می‌نماید. از نظر نورکاینووا برنامه‌ریزی استراتژیک ابزار پیچیده و قدرتمندی است که ادامه حیات دانشگاه در محیط‌های پیچیده و در حال تغییر را فراهم می‌کند (نورکاینووا، ۲۰۱۸).

مدل هایلو^۲

هایلو پس از نقدی که بر مدل‌های ارائه شده توسط «بروان» وارد می‌داند، مدل جدیدی را برای حکمرانی آموزش عالی در ائتوبی ارائه کرده است. او معتقد است هر سه مدل با وجود دلایلی خوبی که برای ارائه آن وجود دارد، انتقادهای قابل توجهی را به خود می‌بینند. در نتیجه به نظر می‌رسد مدل جدید حکمرانی به نوعی ترکیبی از سه مدل حکمرانی، بروان است (هایلو، ۲۰۱۸).



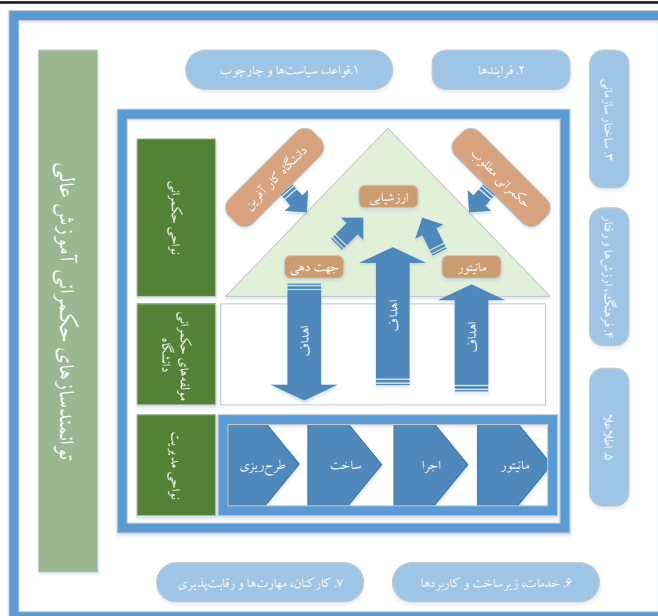
شکل ۸. مدل حکمرانی هایلو (هایلو، ۲۰۱۸)

این مدل بیانگر آن است که مدل حکمروایی و عناصر آن بر استقلال دانشگاهی تأثیر می‌گذارد و از این مسیر تحقق اهداف آموزش عالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هم‌چنین مدل حکمروایی به صورت مستقیم تحقق اهداف تبیین شده آموزش عالی در ائتوبی (دسترسی، ارتباط، کیفیت و خروجی) تأثیرگذار است (هایلو، ۲۰۱۸).

مدل حکمرانی آموزش عالی حرفه‌ای

مدل حکمرانی آموزش عالی حرفه‌ای ارائه شده توسط نوگروهو و سورندرو^۳ ترکیبی از چارچوب مفهومی ایزو ۳۸۵۰۰ و پیشران‌های COBIT5 است. چارچوب ایزو ۳۸۵۰۰ به‌عنوان فرایند اصلی الگوی حکمرانی در سازمان از سطح عالی تا سطح عملیاتی استفاده می‌شود (نوگروهو و سورندرو، ۲۰۱۴).

1. Nurakynova
2. Hailu
3. Nugroho And Surendro



شکل ۹. مدل حکمرانی آموزش عالی حرفه‌ای (نوگروهو و سورندرو، ۲۰۱۴)

چارچوب منطقی حکمرانی آموزش عالی برای جنوب آفریقا

در چارچوب منطقی حکمرانی آموزش عالی که برای کشورهای جنوب آفریقا ارائه شده است؛ مسئولیت‌پذیری دارای پنج سازوکار است که شامل برنامه‌های استراتژیک، نمایندگی ذی‌نفعان که نوعی از مسئولیت اجتماعی است، حسابرسی مالی، (دانشگاه‌ها نیاز به صورت‌های سالانه درآمد و هزینه و حسابرسی برای اطمینان از صحت اختصاص آن‌ها دارند، در دانشگاه‌ها ذی‌نفعان در ازای سرمایه‌گذاری‌های مالی خود ارزش آموزشی دریافت می‌کنند)، گزارش، بودجه مبتنی بر عملکرد، می‌شود (سینت^۱، ۲۰۰۹).

مدل‌های برگرفته از مدل کلارک

بررسی مدل‌های حکمرانی نشان می‌دهد که طیف وسیعی از مدل‌های حکمرانی براساس مدل کلارک شکل گرفته و تکامل یافته‌اند به‌عنوان مثال پچر و کوگان^۲، ۱۹۹۲؛ برگوئیست^۳، ۱۹۹۲؛ مک دانیل^۴، ۱۹۹۶ نمونه‌ای از این مدل‌های هستند (هانارد و میتزل^۵، ۲۰۱۰). هم‌چنین برخی پژوهشگران تلاش کردند که نظام‌های آموزشی در گستره‌های بزرگ‌تر را با این الگو مدل‌سای کنند. کوگان^۶ و همکاران (۲۰۰۶)، مدل قاره اروپا را به‌عنوان الگوی دولت‌محور، سیستم آموزش عالی آمریکا را به‌عنوان مدل بازار محور، و حکمرانی آموزش عالی انگلیس را به‌عنوان مدل تحت سلطه نخبگان دانشگاهی توصیف می‌کنند. ون وات (۱۹۸۹) در مورد مدل‌های حکمرانی «کنترل دولتی» و «نظارت دولتی» بحث کرده است. در مدل نظارت دولتی نقش دولت از پشتیبان و طراحی به «داور»، «واسط» و «فعال‌کننده» در سیستم حکمرانی تغییر می‌کند.

1. Saint
2. Becher And Kogan
3. Bergquist
4. Mcdaniel
5. Hénard & Mitterle
6. Kogan

محققان دیگر مثل بروان و مرین^۱ ویژگی‌های تمرکززدایی، استقلال سازمان، همکاری با بخش خصوصی، ارزیابی سازمانی، یادگیری مداوم، و قرارداد عملکردی را به‌عنوان اصول کلیدی برای حکمرانی سیستم‌های آموزشی مطرح می‌کنند (هایلو، ۲۰۱۸). جان فیلدن^۲ (۲۰۰۸)، روند چهار مرحله‌ای از کنترل دولتی، نیمه اقتصادی، نیمه مستقل تا مستقل را برای ارزیابی حکمرانی ایجاد کرد. (هنارد و میتزل ۲۰۱۹). رابرت بردهال^۳ بین استقلال اساسی (آن چه باید در حکمرانی دانشگاه انجام شود) و استقلال رویه‌ای (چگونگی انجام کار در اداره دانشگاه) تمایز قائل می‌شود (بردهال، ۱۹۷۱؛ ۲۰۱۰).

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف پژوهش بنیادی و از نظر روش‌شناسی پژوهش کیفی است و هدف اصلی آن بررسی تحلیلی و شبه نظام‌مند مدل‌های حکمرانی آموزش عالی است. برای دستیابی به این هدف، پژوهشگران به‌صورت شبه نظام‌مند مقاله‌ها و مستندات مرتبط را مورد بررسی قرار داده‌اند. سپس مدل‌های منتخب با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و ابزار اطلس‌تی^۴ کدگذاری و مقوله‌بندی کردند و در آخر نیز تحلیل ابعاد حکمرانی بر پایه نتایج به‌دست‌آمده در تحلیل محتوای کیفی و مرور شبه نظام‌مند انجام شده است. نسخه ۹ تحلیل شده است. نمودار شماره ۹ روند نمای پژوهش را نشان می‌دهد.

مرور فرا روایت^۵ یا مرور شبه نظام‌مند^۶ در این پژوهش مبتنی بر «راهنمای هانااسنایدر^۷ برای مرور نظام‌مند در حوزه مدیریت» و استاندارد ارائه شده توسط «ونگ^۸ و همکاران» انجام شده است. این روش برای موضوعاتی طراحی شده که به‌صورت متفاوت در مطالعات و پژوهش‌های گروه‌های مختلف بررسی شده و این امر مانع یک روند کامل مرور نظام‌مند می‌شود. مرور فرا روایت علاوه بر مرور یک موضوع غالباً به این موضوع نگاه می‌کند که چگونه تحقیقات در یک زمینه انتخاب شده با گذشت زمان پیشرفت کرده است یا چگونه موضوع مورد مطالعه در رویکردهای مختلف پژوهش گسترش یافته است. به‌طور کلی، این بررسی به دنبال شناسایی و درک کلیه پژوهش‌های بالقوه مرتبط است که دارای پیامدهایی برای موضوع مورد مطالعه است و به‌جای اندازه‌گیری اندازه اثر، آن‌ها را ترکیب و تحلیل می‌کند تا ادراک بهتری از موضوع مورد مطالعه ارائه کند (اسنایدر، ۲۰۱۹؛ وونگ، گرین هالک، وستروپ، بوکینگهام و پاسون، ۲۰۱۳).

جدول ۴. عناصر پژوهش مرور فرا روایت (وونگ و همکاران، ۲۰۱۳)

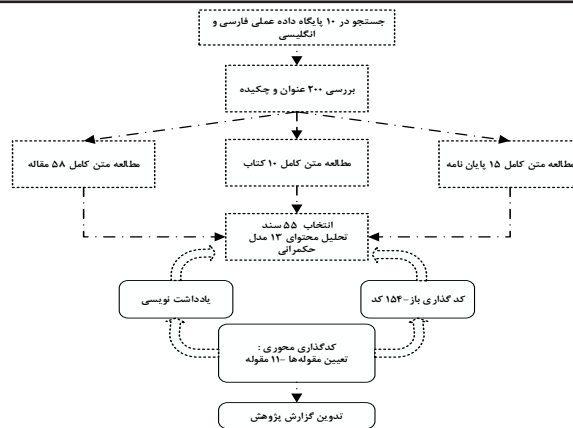
عناصر	شرح
عنوان	اشاره به روش مرور فرا روایت در عنوان
چکیده	شامل خلاصه پرسش‌ها یا اهداف مرور، راهبرد جستجو، روش انتخاب منابع، ارزیابی، تحلیل و سنتز منابع، یافته‌های اصلی
مقدمه	دلایل انتخاب مرور فرا روایت و چگونگی کمک به درک موضوع مورد بررسی
	بیان دلیل تمرکز بر تمرکز اهداف و پرسش‌ها

1. Braun & Merrien
2. John Fielden
3. Robert Berdahl
4. Atlas.ti
5. Meta-Narrative Review
6. Semi-Systematic Review
7. Hannah Snyder
8. Wong
9. Wong, G., Greenhalgh, T., Westhorp, G., Buckingham, J., & Pawson, R

روش	علت منطقی انتخاب مرور فرا روایت اشاره شود توصیف فرایند اولیه اکتشافی تعیین محدوده ادبیات موضوع عبارت‌ها و رشته‌های جستجو و اطلاعات منابع بررسی شده؛ مانند نام پایگاه داده شیوه گزینش و ارزیابی اسناد نحوه استخراج داده‌ها از اسناد فرایندهای تجزیه و تحلیل، اطلاعات مربوط به سازه‌ها و توصیف روند تحلیلی
یافته‌ها	نمودار جریان اسناد و جزئیات اسناد مرور بیان یافته‌های اصلی
بحث و نتیجه‌گیری	خلاصه یافته‌ها با در نظر گرفتن هدف (های) و پرسش (های) تحقیق، محدودیت‌ها و پیشنهاد تحقیقات آینده نتیجه‌گیری و توصیه‌ها جزئیات تأمین منابع مالی و تأمین منابع مالی مرور فرا روایت (در صورت وجود)

برای انجام این پژوهش مدارک مرتبط با جستجوی عبارت «حکمرانی آموزش عالی»^۱، استقلال دانشگاهی^۲، مدل حکمرانی^۳، الگوی حکمرانی^۴، حکمرانی آکادمیک^۵، گونه‌شناسی نظام آموزش عالی^۶ و رشته‌های جستجوی^۷ ترکیبی از این واژگان کلیدی در پایگاه‌های کتاب‌شناختی معتبر انگلیسی: Library Science Database (ProQuest), Web of Science, Scopus, Emerald, Google Scoular, sciencedirect و فارسی: پایگاه اطلاعات پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها (Ganj)، بانک مقالات علوم اسلامی و انسانی (Noormags)، پرتال جامع علوم انسانی (Enساني)، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) بازیابی شد. در گام بعد به منظور انجام مرور نظام‌مند آثار مکتوب نویسندگان ایرانی و خارجی، کلیه مقاله‌هایی که در آن‌ها مدل حکمرانی آموزش عالی ارائه شده بود یا درباره مدل‌های حکمرانی آموزش بحث شده بود (۵۵ سند) به‌عنوان اسناد مرتبط با موضوع پژوهش انتخاب گردید و پس از آن استخراج مدل‌های حکمرانی (۱۳ مدل) پژوهشگران با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی محتوای مقاله‌های منتخب با روش فیش‌برداری، کدگذاری، مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند. در این مرحله ۱۳ مدل منتخب با ۱۵۴ کد تحلیل و کدهای اختصاص یافته در ۱۱ مقوله دسته‌بندی شدند.

1. Higher Education Governance
2. University Autonomy
3. overnance Model
4. Governance Framework
5. Academic Governance
6. Higher Education Typologies
7. Search String



شکل ۹. روند نمای پژوهش

معیار اولیه انتخاب نوشتارها در میان مقاله‌ها انتشار در مجله‌های علمی معتبر، در پایان‌نامه‌ها دارا بودن گواهی دفاع و در گزارش‌های دولتی انتشار توسط سازمان معتبر داخلی، منطقه‌ای یا جهانی بود. گفتنی است از نظر زمانی این مطالعه محدود به زمان خاص نبود و تمام مدل‌های حکمرانی ارائه شده در حوزه آموزش عالی را مورد بررسی قرار داده است و در صورتی که مدلی از حکمرانی در این مقاله بررسی نشده باشد علت آن محدودیت‌های دسترسی یا مشاهده‌پذیری سند مذکور بوده است. در بخش پایانی مقاله مؤلفه‌ها و عناصر مشترک در این مدل‌ها کاوش و مورد بحث قرار گرفت.

جدول ۶. ویژگی‌های مرور فراروایت در پژوهش‌های مدیریت (اسنایدر، ۲۰۱۹)

هدف	بررسی حوزه پژوهشی و توسعه آن
پرسش‌های پژوهش	گسترده
راهبرد جستجو	سیستماتیک یا غیرسیستماتیک
ویژگی‌های نمونه پژوهش	مقاله‌های علمی
رویکرد تحلیل و ارزشیابی	کمی / کیفی
سهام در توسعه علم	توسعه مرز دانش ^۲ ، استخراج مضامین اصلی ^۳ ، مرور تاریخی ^۴ ، برنامه و اولویت پژوهشی ^۵ ، مدل نظری ^۶

یافته‌های پژوهش

گونه‌شناسی مدل‌های حکمرانی

بررسی مدل‌های حکمرانی آموزش عالی دو جریان و گونه اساسی را نشان می‌دهد. گونه اول چارچوب‌های نظری^۷ ایجاد می‌کند که بر پایه آن‌ها می‌توان سیستم‌های آموزش عالی را بررسی و مدل‌سازی کرد.

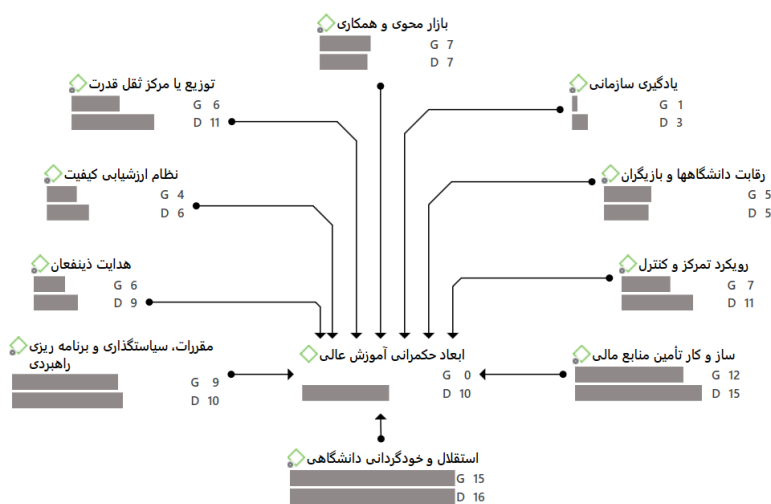
1. Contribution
2. State Of Knowledge
3. Themes In Literature
4. Historical Overview
5. Research Agenda
6. Theoretical Model
7. Theoretical Frameworks

مدل‌های کلارک، براون و دبوئر، اندرز و شیمانک از این‌گونه‌ها هستند. تمرکز این مدل‌ها بر شناخت کلی جهت‌گیری حکمرانی و دسته‌بندی کشورها بر پایه این جهت‌گیری‌ها است. گونه دوم بیشتر بر پایه استقرا و با بررسی ویژگی‌های نظام یا مؤسسه آموزش عالی مدل خود را ایجاد می‌کنند. در این رویکرد مدل در یک فرایند اکتشافی و پس از بررسی ویژگی‌های موسسه‌های مورد بررسی در پژوهش (مورد کاوی) ساخته می‌شود. این یافته‌ها همسو با یافته‌های پژوهش‌های پیشین (هانارد و میتزل، ۲۰۱۰) است. هم‌چنین اغلب مدل‌ها و الگوهای حکمرانی در سطوح مفهومی و انتزاعی ارائه شده‌اند و نبود شاخص‌های قابل اندازه‌گیری وجه مشترک میان این مدل‌ها است. در میان مدل‌های و الگوهای حکمرانی چارچوب تحلیلی دابینز و همکاران به‌عنوان کاربردی‌ترین الگو و مدل شناخته شده است که علاوه بر بیان ابعاد و مؤلفه‌های حکمرانی، شاخص‌های نسبتاً قابل اندازه‌گیری ارائه می‌کند

هم‌چنین از نقطه نظر استقلال دانشگاهی پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه حکمرانی، استقلال دانشگاهی را با دو رویکرد متمایز دلیل گرا^۱ و علت گرا^۲ بررسی کرده‌اند. رویکرد دلیل گرا به چرایی مفهوم استقلال دانشگاهی می‌پردازد درحالی‌که رویکرد علت‌گرا به عوامل عینی استقلال دانشگاه (و نه دلایل ذهنی آن) می‌پردازد. به‌عبارت‌دیگر بحث اصلی این رویکرد بررسی دلایل ایجابی خودگردانی دانشگاهی و نیاز به این رویکرد حکمرانی مطلوب در دانشگاه است. برونداد پژوهش‌هایی که بر پایه این رویکرد اجرا شده‌اند شاخص‌ها و عوامل عینی است که چشم‌انداز روشنی از استقلال دانشگاهی را به تصویر می‌کشد در واقع این رویکرد ابزاری برای مقایسه و تطبیق میزان استقلال دانشگاهی ارائه می‌کند. در کنار این دو رویکرد برخی پژوهش‌ها با رویکرد تلفیقی هم از حیث مفهومی و دلیل‌گرا و هم از حیث عینی و علت‌گرا استقلال دانشگاهی را بررسی می‌کنند (فرستخواه، ۱۳۹۷: ۱۱).

ابعاد و مؤلفه‌های حکمرانی

تحلیل ابعاد و مؤلفه‌های مورد نظر در این مدل‌ها نشان می‌دهد که این مدل‌ها با وجود اختلاف در رویکرد به مؤلفه‌های مشترکی در نظام حکمرانی اشاره می‌کنند. شکل ۱۰ تحلیل محتوای مدل‌های حکمرانی بررسی شده و بسامد هر یک از ابعاد حکمرانی، در مدل‌ها را نشان می‌دهد.



شکل ۱۰. ابعاد و مؤلفه‌های حکمرانی (تحلیل محتوای مدل‌های حکمرانی)

1. Reason Approach
2. Cause Approach

استقلال دانشگاهی

همان‌گونه که در شکل ۱۰ نشان داده شده است استقلال و خودگردانی دانشگاهی در میان مدل‌های حکمرانی بیش از سایر ابعاد مورد توجه قرار گرفته است و با ۱۵ بار بسامد بیشترین تکرار را در مدل‌ها دارد. هم‌چنین این بعد با ۱۶ کد مرتبط است که بیشترین ضریب تأثیر این بعد در میان ابعاد حکمرانی را نشان می‌دهد. از این یافته می‌توان نتیجه گرفت که در مدل‌های حکمرانی مفاهیم «استقلال یا خودگردانی دانشگاهی» و «حکمرانی» در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر هستند و در اغلب مدل‌ها (جدول شماره ۱۰)، به‌عنوان عامل اصلی یا در ارتباط با حکمرانی دانشگاهی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند. در مدل کلارک مفهوم استقلال دانشگاهی در دسته سوم الگوی حکمرانی قرار دارد. در این نوع حکمرانی دانشگاه استقلال کامل دارد و هیئت امنای دانشگاه نقش هیئت حکمرانی را بر عهده دارد. این الگو در کشورهای انگلستان و تا حدی در ژاپن، نیوزلند، هلند، ایرلند و آلمان مشاهده می‌شود (کلارک، ۲۰۰۴ نقل از فراستخواه، ۱۳۹۷). مفهوم استقلال دانشگاهی در چارچوب تحلیلی میشل دابینز و همکاران، با عنوان استقلال حقیقی مورد توجه قرار گرفته است و با شاخص‌های تعیین نمای آکادمیک، طرح برنامه درسی، تعیین اهداف استراتژیک، تعیین نمای پژوهشی، تعیین شرایط ورود، اندازه مؤسسه و تخصص‌های کلیدی به طبقه‌بندی نظام حکمرانی دانشگاهی در سه سطح خودگردانی دانشگاهی (مدل هومبولتی)، مدل دولت‌محور و مدل بازار محور می‌پردازد.

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، مفهوم استقلال دانشگاهی را با عنوان استقلال نهادی و شاخص‌های میزان آزادی دانشگاه‌ها در مالکیت ساختمان و تجهیزات، استقراض مالی، هزینه بودجه در راستای اهداف، تصویب ساختار سازمانی و محتوای آموزشی، استخدام و اخراج کارکنان دانشگاهی، تعیین میزان حقوق، تعیین تعداد دانشجو، تعیین میزان شهریه مورد بررسی قرار می‌دهد. مکعب حکمرانی نیز با ترکیبی از مدل‌های حکمرانی کلارک و ون‌وات^۱ و مدل مدیریت‌گرایی جدید بین کنترل حکمرانی بی‌قاعده و مقید دانشگاه‌ها از سوی سیاست‌گذاران (بعد رویه‌ای) و ظرفیت هدفمند بی‌قاعده و مقید دولت در زمینه‌های آموزش و پژوهش (ابعاد اساسی) تمایز قائل می‌شوند و دو بعد استقلال نهادی دانشگاه‌ها (استقلال اساسی شامل: وظایف مختلف دانشگاهی و استقلال رویه‌ای شامل: چگونه باید آن را انجام داد، توزیع منابع و ابزار و اقدامات دانشگاه را مطرح می‌کند. سالازار و لای‌های با اقتباس از کلارک خودحکمرانی مدیریتی، کارکنان و اعضای هیئت علمی را به‌عنوان سه ضلع مثلث حکمرانی معرفی می‌کنند.

پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه حکمرانی هم‌چنین استقلال دانشگاهی را با دو رویکرد متمایز دلیل‌گرا^۲ و علت‌گرا^۳ بررسی کرده‌اند. رویکرد دلیل‌گرا به چرایی مفهوم استقلال دانشگاهی می‌پردازد در حالی که رویکرد علت‌گرا به عوامل عینی استقلال دانشگاه (و نه دلایل ذهنی آن) می‌پردازد. به‌عبارت‌دیگر بحث اصلی این رویکرد بررسی دلایل ایجابی خودگردانی دانشگاهی و نیاز به رویکرد حکمرانی مطلوب در دانشگاه است. منطق اصلی در این رویکرد آن است که پیچیدگی تخصصی و حتی اسرارآمیز بودن دانش و یادگیری در سطح عالی ایجاب می‌کند دانشگاه از استقلال کافی برخوردار باشد و نهادها و مراجع بیرونی مانند دولت در آن مداخله نکنند.

1. Van Vught
2. Reason Approach
3. Cause Approach

جدول ۱۰. تحلیل ارتباط استقلال دانشگاهی و حکمرانی و رویکرد بررسی آن در مدل‌های حکمرانی

استقلال دانشگاهی	بردار	کلاری	دایتز و همکاران	اویسی و نی	بوزن	میلد	بوزن و مین	لای‌های	سالازار و
معادل یا گونه‌ای از حکمرانی		■			■				
معلول حکمرانی									
شخص ارزیابی حکمرانی			■	■	■		■	■	■
ارتباط دو سویه		■				■			
دلیل‌گرا (چرایی)		■				■			
علت‌گرا (عوامل عینی)			■	■			■	■	■
تلفیقی		■			■				

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد رویکرد علت‌گرا به عوامل عینی استقلال دانشگاه (و نه دلایل ذهنی آن می‌پردازد) دانشگاه به سبب برخورداری از توانایی تولید معنا، تولید اندیشه و دانش و فناوری، نوعی منبع قدرت است. تمرکز این رویکرد بر بررسی استقلال دانشگاهی در لایه عملیاتی و استقرار یافته در دانشگاه است. برون‌داد پژوهش‌هایی که بر پایه این رویکرد اجرا شده‌اند شاخص‌ها و عوامل عینی است که چشم‌انداز روشنی از استقلال دانشگاهی را به تصویر می‌کشد در واقع این رویکرد ابزاری برای مقایسه و تطبیق میزان استقلال دانشگاهی ارائه می‌کند. در کنار این دو رویکرد برخی پژوهش‌ها با رویکرد تلفیقی هم از حیث مفهومی و دلیل‌گرا و هم از حیث عینی و علت‌گرا استقلال دانشگاهی را بررسی می‌کند (فراستخواه، ۱۳۹۷). در پژوهش‌های مشابه بردال خودگردانی و آزادی علمی^۱، خودگردانی رویه‌ای^۲، و خودگردانی اساسی^۳ را به‌عنوان انواع خودگردانی دانشگاهی معرفی می‌کند (بردال، ۱۹۹۰، نقل از فراستخواه، ۱۳۹۷). کمیسیون آموزش عالی کارنگی^۴ نیز خودگردانی دانشگاهی را به استقلال فکری^۵، استقلال اداری^۶ (جذب هیئت علمی، پذیرش دانشجو، تعاملات بین‌المللی و...)، و استقلال دانشگاهی در برنامه‌های آموزشی و پژوهشی^۷ دسته‌بندی کرده است. (کمیسیون آموزش عالی کارنگی^۸، ۱۹۷۳، نقل از فراستخواه، ۱۳۹۷).

1. Academic Freedom

2. Procedural Autonomy

3. Substantive Autonomy

۴. این کمیسیون یا بنیاد توسط اندرو کارنگی در سال ۱۹۰۵ تأسیس شد و از سال ۱۹۰۶ بر پایه قانون کنگره ایالات متحده با مأموریت توسعه سیاست‌های و استانداردهای آموزش عالی به صورت رسمی در این زمینه فعالیت می‌کند. دسته‌بندی موسسه‌های آموزش عالی امریکا یکی از مشهورترین برون‌دادهای این بنیاد است.

5. Intellectual Independence

6. Administrative Independence

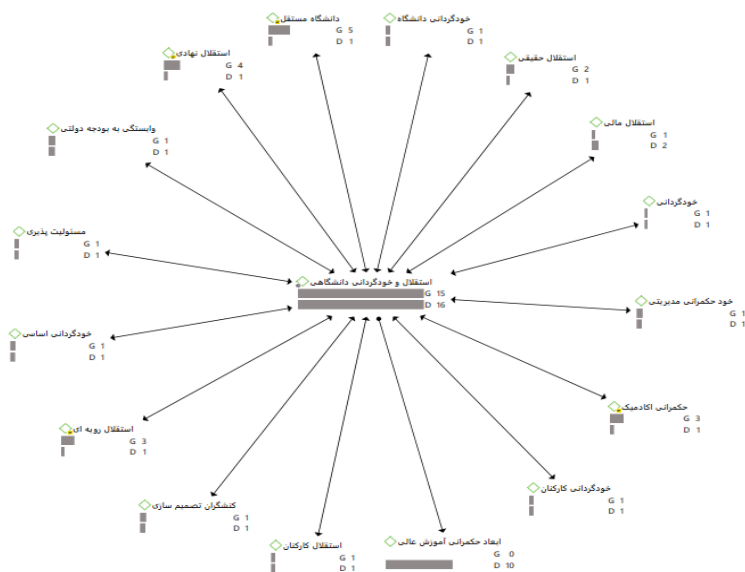
7. Academic Independence

8. Carnegie Commission On Higher Education

جدول ۱۱. نوع شناسی استقلال دانشگاهی در مدل‌های حکمرانی با اقتباس از (فراستخواه، ۱۳۹۶)

برون و مرین	اوی سی دی	دابینز و همکاران	کلارک	براون	سالازار و لای‌های	هابلو	کارنگی	بردال
استقلال سازمان	استقلال نهادی	استقلال حقیقی	خودگردانی اساسی	استقلال نهادی	حکمرانی مدیریتی	مالی	استقلال فکری	خودگردانی و آزادی علمی
				استقلال رویه ای	حکمرانی کارکنان		استقلال اداری	خودگردانی رویه‌ای
					حکمرانی اعضای علمی	حقیقی	استقلال آموزشی و پژوهشی	خودگردانی اساسی

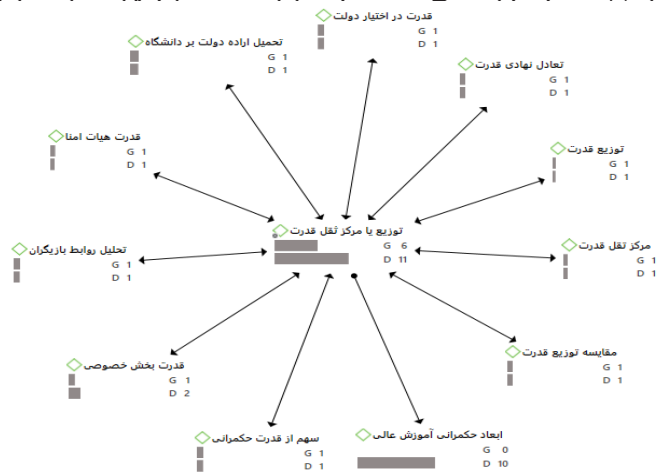
نتایج پژوهش‌های مرتبط در ایران نشان می‌دهد که نبود استقلال دانشگاهی موجب کاهش اثربخشی دانشگاه و نیروی درونی آن می‌شود (رمضانیان فهندری، آراسته، بهرنگی و نوه ابراهیم، ۱۳۹۴؛ رحمان سرشت و حاتمی، ۱۳۷۷) و دانشگاه را به یک نهاد اداری دیوان‌سالار تبدیل کرده است (فراستخواه، ۱۳۹۷؛ نفیسی، ۱۳۸۰). از سوی دیگر تقویت آن در بین‌المللی‌سازی آموزش عالی در ارتباطات بین‌المللی تأثیرگذار است (اسدی و معروفی، ۱۳۹۵). یافته‌های پژوهش مشابه که با هدف اثر گذاری نهاد قدرت بر آموزش عالی انجام شده است نشان می‌دهد که نهاد دولت از طریق عوامل مختلفی بر هر چهار نوع استقلال دانشگاهی شامل استقلال سازمانی، علمی، مالی و استخدامی، در نظام آموزش عالی ایران تأثیر می‌گذارد و تعدیل نگرش‌های سیاسی، بازنگری دیدگاه سنتی و دولت‌گرا در حکمرانی آموزش عالی، موجب تقویت استقلال دانشگاهی خواهد شد (خلیلی، خورسندی طاسکوه، قیاسی دوشان و آراسته، ۱۳۹۷). از سوی دیگر محرک‌های جهانی شدن، کمبود بودجه‌های دولتی و خواست دیرین دانشگاهیان ایران برای استقرار استقلال و حاکمیت علمی در دانشگاه‌ها، مرکز ثقل قدرت در آموزش عالی ایران میل به حرکت به وسط دو نیروی بازار و دانشگاهیان و بیشتر به سمت بازار را دارد (رزاق مرندي، ۱۳۹۳). پژوهشگران دیگری با تحلیل گفتمان انتقادی تاریخی از استقلال دانشگاهی اقدام‌هایی برای دستیابی به استقلال دانشگاهی در دو سطح مرتبط با دانشگاهیان و ارتباط با دولتمردان ارائه کرده‌اند (خلیلی، خورسندی طاسکوه، آراسته، قیاسی دوشان و خدا پناه، ۱۳۹۶). یافته‌های پژوهش‌های مشابه نشان می‌دهد که در میان ابعاد حکمرانی، شاخص‌های مرتبط با استقلال دانشگاهی در اولین سطح از تأثیرگذاری بر سایر ابعاد الگوی حکمرانی قرار دارند (علوی، رعنائی کردشولی، علیمحمدلو و سلیمی، ۱۴۰۰).



شکل ۱۰. تحلیل محتوای مدل‌های حکمرانی، بعد استقلال و خودگردانی دانشگاهی

توزیع یا مرکز ثقل قدرت

بسیاری از پژوهشگران قدرت و نحوه توزیع آن در نظام دانشگاهی را مهم‌ترین مولفه حکمرانی دانشگاهی و حتی معادل با مفهوم حکمرانی در نظر گرفته‌اند (جدول شماره ۱۰) و بررسی تمرکز یا توزیع قدرت در زمینه‌های سیاست‌گذاری، وضع قوانین، وضع مقررات آموزشی، انضباطی، مالی و اداری، تأمین مالی، انتصاب مدیران، گزینش دانشجو، آموزش، پژوهش و دانش‌آموختگی را شاخص اصلی در ارزیابی حکمرانی در آموزش عالی قلمداد می‌کنند. تحلیل محتوای مدل‌های حکمرانی نشان می‌دهد که این بعد با شش بار بسامد در مدل‌های بررسی شده با عبارتهای مختلف به کار رفته است و با یازده مؤلفه ارتباط دارد.



شکل ۱۱. تحلیل محتوای مدل‌های حکمرانی بعد توزیع یا مرکز ثقل قدرت

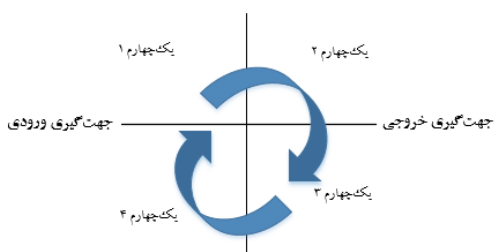
بانک جهانی استفاده از قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی کشور برای توسعه را معادل حکمرانی خوب تعریف می‌کند (کافمن، ۲۰۱۰). در اندیشه کلارک حکمرانی دانشگاهی بر پایه نظام هماهنگی و قدرت در میان سه بازیگر دولت، بازار و دانشگاهیان تحلیل می‌شود (ماجیجو، ۲۰۱۱). مدل تحلیلی حکمرانی آموزش عالی، تعادل نهادی را به‌عنوان یک بعد اصلی مطرح می‌کند و آن در چهار بعد فرعی ساختار مؤسسه‌ای دانشگاه، الگوی کنترل و ارزشیابی کیفیت، ارتباط با دولت و جامعه، ذی‌نفعان، کارفرما و اقتصاد مورد بررسی قرار می‌دهند (دابینز و همکاران، ۲۰۱۱). براوان بحث قدرت در سطح نهادی حکمرانی را مورد توجه قرار می‌دهد و معتقد است که تقویت سطح میانی (مدیران میانی)، دلالت بر قدرت رؤسای دانشگاه و ضعف جامعه دانشگاهی یا اولیگارش‌ی در سطح نهادی حکمرانی است (براون، ۱۹۹۹). مفهوم قدرت هم‌چنین یکی از ابعاد و پایه‌های اساسی در مبحث استقلال دانشگاهی است و پژوهشگران این حوزه علمی در تحلیل ماهیت استقلال دانشگاهی در نظام‌های آموزش عالی به بررسی تأثیر و توزیع قدرت در حوزه‌ها مختلف استقلال دانشگاهی شامل استقلال سازمانی، علمی، مالی و استخدامی، در نظام آموزش عالی پرداخته‌اند (فراستخواه، ۱۳۹۷ ص ۱۲) که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

سازوکارهای تأمین منابع مالی

منابع مالی و مرجع تأمین آن (دولت، بخش خصوصی، مشارکت دانشجویی) به‌عنوان یک دیگر از ارکان حکمرانی مورد توجه بیشتر مدل‌های حکمرانی آموزش عالی قرار گرفته است (کلارک، ۲۰۰۴ نقل از فراستخواه، ۱۳۹۷؛ تحلیل سیاست آموزش: تغییر الگوی حکمرانی در آموزش عالی، ۲۰۰۳). این بعد با ۱۲ بسامد در مدل‌هایی که در این پژوهش بررسی شده تکرار شده است. در اندیشه کلارک تأمین منابع مالی از سوی دولت موجب ایجاد سهم از قدرت در حکمرانی دانشگاه و تحمیل اراده حاکمیت بر دانشگاه می‌شود. این بعد در مدل میشل دابینز و همکاران تحت عنوان اصلی ساز و کارهای تأمین مالی آمده است و ابعاد فرعی پایه و اساس تأمین مالی، رویکرد تأمین مالی دولتی، تخصیص در دانشگاه، سرمایه‌گذاری راهبردی در زیر این بعد بررسی می‌شود (دابینز و همکاران، ۲۰۱۱). مکعب حکمرانی رقابت بین دانشگاه‌ها و درون دانشگاه‌ها را به‌عنوان یکی از ابعاد حکمرانی معرفی می‌کند و اعتبار و منابع مالی را یکی از مولفه‌های این بعد می‌داند. او بی‌سی دی میزان وابستگی‌های مراکز آموزشی به بودجه‌های دولتی یا سایر منابع مالی را یکی از شاخص‌های اصلی سنجش حکمرانی با دو روش تأمین از طریق منابع دولتی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بررسی می‌کند.

جانگبلود^۲ مدل طبقه‌بندی مکانیزم تأمین مالی در سیستم‌های آموزش عالی را بر مبنای دو پرسش ارائه کرده است. پرسش اول به مبنای تخصیص منابع دولت به مؤسسات آموزش عالی (ورودی یا نتایج) و پرسش دوم به میزان گرایش بازار در تنظیم برنامه‌های تخصیص بودجه می‌پردازد. این مدل دانشگاه‌ها را بر پایه نوع تأمین منابع مالی در چهار دسته مدل‌سازی می‌کند. اولین دسته (یک چهارم اول) نشان‌دهنده یک سیستم متمرکز بودجه ریزی با رویکرد سنتی است. در این روش منابع مالی براساس درخواست بودجه (برنامه‌های فعالیت و غیره) ارسال شده به نهادهای بودجه دولتی و چانه‌زنی تأمین می‌شود. در این مدل تخصیص بودجه غالباً براساس مواد بودجه سال گذشته مانند حقوق کارمندان، مواد ضروری، هزینه‌های نگهداری ساختمان و سرمایه‌گذاری‌ها یعنی ورودی‌ها است. نظام‌هایی که بودجه آن‌ها مبتنی بر عملکرد تأمین می‌شود در دسته دوم (یک چهارم دوم) قرار می‌گیرند. در بودجه ریزی مبتنی بر عملکرد، بودجه مؤسسات آموزش عالی براساس آنچه تولید کرده‌اند - یعنی خروجی - تعیین می‌شود. میزان بودجه در این روش، براساس معیارهای تعداد دانش‌آموختگان (در حوزه آموزشی) و معیارهای پژوهش محور شامل تعداد مقاله‌ها و سایر انتشارات علمی تعیین می‌شود.

رویکرد تمرکزگرا (کنترل شده)



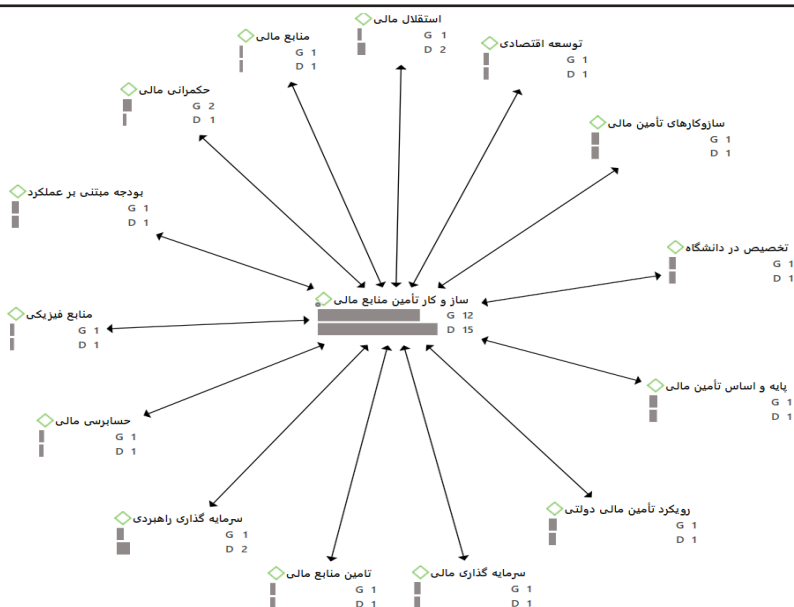
رویکرد غیرمتمرکز (بازار)

شکل ۱۲. دسته‌بندی روش‌های تأمین منابع مالی آموزش عالی

دسته سوم (یک چهارم سوم) نظام‌هایی را نشان می‌دهد که خروجی و بازار محوری را با هم ترکیب می‌کنند و مؤسسه‌های آموزش عالی برای تأمین نیازهای ملی در حوزه آموزش و پژوهش با یکدیگر وارد رقابت می‌شوند. در این مدل از مؤسسه‌های آموزش عالی خواسته می‌شود که پیشنهاد‌های مالی مشخصی را برای آموزش و دانش آموختگی تعدادی معین از اعضای جامعه ارائه کنند. هم‌چنین تخصیص منابع مالی پژوهش‌ها از طریق شورای ملی تحقیقاتی و سایر تأمین‌کنندگان مالی انجام می‌شود. در دسته چهارم میزان تقاضا محور تأمین منابع مالی است ترکیب ورودی و بازار (یک چهارم چهارم) و تخصیص منابع مالی به افراد مانند کوپن‌ها (کوپن‌های دانشجویی و کوپن‌های دانش نوآوری برای شرکت‌ها و سازمان‌های دیگر) غیرمتمرکزترین شکل سیستم‌های بودجه قلمداد شده است (جانگلو، ۲۰۰۸ و ۲۰۰۴).

روند کلی مدل‌های تأمین بودجه در سراسر جهان حاکی از آن است که دولت‌ها از روش‌های تأمین مالی سنتی بودجه و مبتنی بر چانه‌زنی دور می‌شوند و تا حدودی روش‌های بودجه مبتنی بر عملکرد و سازوکارهای تأمین مالی رقابتی جایگزین آن شده است. این رویکردها اغلب از طریق روش‌های تأمین هزینه‌های پژوهش و پرداخت مستقیم به اشخاص (دانشجویان و پژوهشگران) عملیاتی می‌شود. اگر چه میزان تحقق و فراگیر شدن این روند هنوز در کشورهای مختلف بسیار متفاوت است، اما وجود یک تغییر تدریجی از رویکرد متمرکز به رویکرد غیرمتمرکزتر، و مبتنی بر عملکرد یا چند بعدی کاملاً قابل مشاهده است. هم‌چنین در این روند تنوع‌بخشی به روش‌های تأمین مالی از طریق تمرکز بر حمایت‌های عمومی و کمک‌های دولت از طریق صندوق‌ها یا نهادهای واسطه، جذب کمک‌های جامعه از طریق وقف و پویش‌های اجتماعی و کسب درآمد از طریق پژوهش قراردادهای پژوهشی و فناورانه و تمرکز بر بهره مالکانه فناوری قلمداد مشاهده می‌شود.

مطالعات نظام آموزش عالی ایران نیز بعد روش‌های تأمین مالی را مورد توجه قرار داده‌اند و وابستگی به منابع مالی دولتی را یکی از مهم‌ترین مشکلات نظام آموزش عالی ایران قلمداد می‌کنند (طایی، وحیدی، و غفرانی، ۱۳۸۱؛ طالبی، ۱۳۹۵؛ جمشیدی، ۱۳۹۱). نتایج یک مطالعه در ایران برای شناخت الگوی تأمین مالی دانشگاه‌ها بیانگر آن است که دانشگاه‌ها در رشته‌هایی که تقاضا در آن‌ها پایین است نیاز به رویکرد دیوان سالار و تأمین منابع از سوی دولت دارند (رسته مقدم و نادری، ۱۳۹۴). هم‌چنین ارتقای سازوکارهای ایفای نقش هیئت‌امنا در تأمین منابع مالی دانشگاه‌ها و رفع موانع موجود در تنوع بخشی به منابع مالی دانشگاه‌ها موجب کاهش وابستگی به منابع دولت خواهد شد (اخوان هزاره، اجتهادی، محمد داوودی و محمدخانی، ۱۴۰۰).



شکل ۱۲. تحلیل محتوای مدل‌های حکمرانی بعد سازوکارهای تأمین مالی

سیاست‌گذاری، مقررات و خط‌مشی‌گزینی

کلارک تعیین و وضع قوانین و مقررات حاکم بر دانشگاه را ابزار قدرت در حکمرانی دانشگاه‌ها تلقی می‌کند (کلارک، ۲۰۰۴ نقل از فراستخواه، ۱۳۹۷). مدل اکولایزر نیز مقررات‌گذاری را به‌عنوان یکی از ابزارهای قدرت در الگوهای حکمرانی تحلیل می‌کند (دی بور و همکاران، ۲۰۰۸). کیفیت وضع مقررات یکی از شش بعد مورد نظر بانک جهانی در ارزیابی حکمرانی است (کافمن، ۲۰۱۰). هم‌چنین مقررات‌گذاری به‌عنوان یکی از ابعاد حکمرانی در پژوهش کاپانو و پریتونی در بررسی حکمرانی در نظام‌های آموزش عالی اروپا مورد توجه قرار گرفته است (کاپانو و پریتونی، ۲۰۱۸). اوای‌سی‌دی اختیارات شوراهای دانشگاهی در تعیین قوانین و مقررات آموزشی، و راهبرد دانشگاه را بخشی از بدنه اصلی حکمرانی در تحلیل حکمرانی دانشگاهی تلقی می‌کند (تحلیل سیاست آموزش: تغییر الگوی حکمرانی در آموزش عالی، ۲۰۰۳). چارچوب تحلیلی دابینز و کنیل تعیین اهداف استراتژیک را به‌عنوان یکی از شاخص‌های استقلال حقیقی معرفی می‌کند. مولفه سیاست‌ها در میکروسوموگرافی مدل سالازار و لای‌های در بعد حوزه عمومی مورد بحث قرار گرفته است (مدل سالازار و لای‌های، ۲۰۱۱)

در ایران نیز برخی پژوهش‌ها به بررسی سیاست‌گذاری آموزش عالی در دوره‌های تاریخی پرداخته‌اند (مردوخ روحانی، ۱۳۹۴). پیکانی به بررسی فرایند خط‌مشی‌گذاری در نظام آموزش عالی در ایران با هدف ارائه مدل مناسب فرایند خط‌مشی‌گذاری می‌پردازد و مدل تلفیقی (عقلایی، تدریجی، نهادی) با شاخص‌های نظام ارزشی، عوامل سیاسی، فرهنگی، تکنولوژی، مستندات قانونی، عوامل جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی را پیشنهاد می‌دهد (پیکانی، ۱۳۸۸). در پژوهشی دیگر شاخص‌های مهم برای ارائه مدل سیاست‌گذاری آموزش عالی در ایران در معیارهای مدیریت و رهبری، نهادها، قانونی، فناورانه، اقتصادی و برابری معرفی شده است (احمدی لاشکی، ۱۳۹۶).

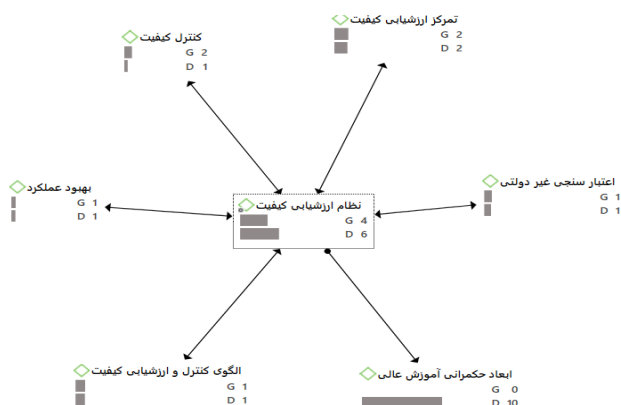
رقابت بازیگران و دانشگاه‌ها

از دیدگاه کلارک نظام هماهنگی و قدرت یک سیستم دانشگاهی از ترکیب تعامل یا رقابت سه بازیگر دولت، بازار و دانشگاهیان شکل می‌گیرد (کلارک، ۲۰۰۴). مدل اکولایز حکمرانی رقابت بین دانشگاه‌ها و درون

دانشگاه‌ها: را در زمینه‌های منابع فیزیکی، منابع انسانی، اعتبار، و مالی به‌عنوان یکی از ابعاد اصلی حکمرانی بررسی می‌کند بعد رقابت در این مدل با مکانیزم مستقل حکمرانی یا هماهنگی بازار محور در ترمینولوژی کلارک مرتبط است (دی بور و همکاران، ۲۰۰۷). سالازار و لای‌های بعد حوزه رقابتی در زمینه‌های پرستیژ، منابع و کسب جایگاه را به مدل کلارک افزوده‌اند (مدل سالازار و لای‌های، ۲۰۱۱).

نظام ارزشیابی کیفیت

یافته‌ها نشان می‌دهد که نظام ارزشیابی کیفیت یکی از ابعاد مهم حکمرانی است که در سال ۲۰۱۱ در چارچوب تحلیلی دابینز و همکاران به‌عنوان یکی از مولفه‌های تعادل نهادی قدرت به مدل‌های حکمرانی افزوده شده است. آنان در این الگو نظام‌های حکمرانی آموزش عالی بر پایه رویکردشان به الگوی کنترل و ارزشیابی کیفیت در مدل‌های دولت‌گرا، بازار محور و حکمرانی آکادمیک طبقه‌بندی می‌کنند (دابینز و همکاران، ۲۰۱۱). روش‌های تضمین و کنترل کیفیت با زیر مقوله‌های کیفیت‌سنجی توسط مؤسسه دولتی، ایجاد مؤسسه کیفیت‌سنجی مشارکتی دانشگاه‌ها، آژانس‌های ارزیابی کیفیت مستقل در مدل اوای‌سی‌دی مورد بررسی قرار می‌گیرد (تحلیل سیاست آموزش: تغییر الگوی حکمرانی در آموزش عالی، ۲۰۰۳).



شکل ۱۳. تحلیل محتوای مدل‌های حکمرانی بعد نظام ارزشیابی کیفیت

سایر ابعاد در مدل‌های حکمرانی

هدایت ذی‌نفعان در مکعب حکمرانی به فعالیت‌های گفته می‌شود که دانشگاه از طریق مشاوره یا تنظیم اهداف رهبری می‌کند در این مدل مقررات‌گذاری دولتی و هدایت ذی‌نفعان نشان‌دهنده دو حالت نفوذ دولت دارد. به‌بیان‌دیگر ارائه‌کنندگان این مدل نظریه اقتدار دولتی کلارک را به دو دسته قانون‌گذاری مستقیم به‌وسیله دولت، و هدایت بیرونی به‌وسیله نمایندگان دولت تقسیم می‌کنند (دی بور و همکاران، ۲۰۰۷؛ دی بور و همکاران، ۲۰۰۸). هم‌چنین بروان و مرین ویژگی‌های تمرکززدایی، استقلال سازمان، همکاری با بخش خصوصی، ارزیابی سازمانی، یادگیری مداوم، و قرارداد عملکردی را به‌عنوان اصول کلیدی برای حکمرانی سیستم‌های آموزشی مطرح می‌کنند (هایلو، ۲۰۱۸). این ابعاد در سایر مدل‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

جدول ۱۱. ابعاد و مولفه‌های حکمرانی بر پایه مدل‌های حکمرانی دانشگاهی

حکمرانی خصوصی	مدل هابلو	بزوان و مورین	وزن وات	مدل حکمرانی دانشگاه پزشکی	حکمرانی نظام‌مند ترکیبی	مدل سالازار و لای‌های	مدل بزوان	مدل OECD	چارچوب تحلیلی دابینز و همکاران	مدل اکولابز حکمرانی	مثلث هماهنگی کلارک	ابعاد و مولفه‌ها حکمرانی
						<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>		<input checked="" type="checkbox"/>		<input checked="" type="checkbox"/>	توزیع یا مرکز ثقل قدرت خود حکمرانی دانشگاهی، استقلال حقیقی یا استقلال نهادی استقلال روبه‌ای
<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>				<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>		<input checked="" type="checkbox"/>	ساز و کار تأمین منابع مالی مقررات، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی راهبردی
			<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>				<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	رقابت دانشگاه‌ها و بازیگران نظام ارزشیابی کیفیت
		<input checked="" type="checkbox"/>						<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>			هدایت ذی‌نفعان
	<input checked="" type="checkbox"/>									<input checked="" type="checkbox"/>		رویکرد تمرکز و کنترل
	<input checked="" type="checkbox"/>											یادگیری سازمانی
	<input checked="" type="checkbox"/>											بازار محوری و همکاری با بخش خصوصی

بحث و نتیجه‌گیری

مفهوم حکمرانی آموزش عالی اولین بار توسط کلارک وارد ادبیات مدیریت آموزش عالی شده است و در طول چهار دهه گذشته از پیدایش این مفهوم، مدل‌های بنیادی و کاربردی مبتنی بر مدل کلارک یا مستقل از آن ایجاد شده است. این مدل‌ها از نظر رویکرد ایجاد و معرفت‌شناختی در دو گونه قیاسی و استقرایی قابل طبقه‌بندی هستند. گونه اول چارچوب‌های نظری^۱ ایجاد می‌کند که بر پایه آن‌ها می‌توان سیستم‌های آموزش عالی را بررسی و مدل‌سازی کرد و گونه دوم بیشتر بر پایه استقرا و با بررسی ویژگی‌های نظام یا مؤسسه آموزش عالی مدل خود را ایجاد می‌کنند. هم‌چنین اغلب مدل‌ها و الگوهای حکمرانی در سطوح مفهومی و انتزاعی ارائه شده‌اند و نبود شاخص‌های قابل اندازه‌گیری وجه مشترک میان این مدل‌ها است. در میان مدل‌های و الگوهای حکمرانی چارچوب تحلیلی دابینز و همکاران به‌عنوان کاربردترین الگو و مدل شناخته شده است که علاوه بر بیان ابعاد و مؤلفه‌های حکمرانی، شاخص‌های قابل اندازه‌گیری ارائه می‌کند. هم‌چنین بررسی مدل‌های حکمرانی نشان می‌دهد که بسیاری از کشورها، با هدف بهبود کارایی بخش

عمومی و تمرکز بر کیفیت خدمات در نظام‌های حکمرانی آموزش عالی خود تجدیدنظر کرده‌اند (هود، ۱۹۹۵) و نقش دولت در حکمرانی آموزش عالی از تولید و کنترل به نظارت و قانون‌گذاری در حال تغییر است (آگاسیستی و کاتالانو، ۲۰۰۶) در نتیجه مدل‌های پیشین پاسخگویی نیاز کشورها برای تحلیل نظام حکمرانی آموزش عالی در این کشورها نیست و در بسیاری از کشورها مدل‌ها و الگوهای بومی تحلیل نظام حکمرانی آموزش عالی ایجاد شده است.

در میان ابعاد و مولفه‌های حکمرانی «استقلال یا خودگردانی دانشگاهی» و «حکمرانی» به‌عنوان عامل اصلی یا در ارتباط با حکمرانی دانشگاهی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند. مؤلفه قدرت رسمی ناشی از قوانین و مقررات، سیاست‌ها و قواعد که اختیار بازیگران مختلف در این زمینه را مشخص می‌کند یکی از مهم‌ترین مؤلفه شناخته شده است و شاید به همین دلیل این مؤلفه زیر بنای اساسی پژوهش‌ها و مدل‌های حکمرانی قرار گرفته است این یافته مورد تأکید پژوهشگران پیشین (دی بور و فیلی، ۲۰۰۸) نیز بوده است. از سوی دیگر بررسی روند کلی مدل‌های تأمین بودجه دانشگاهی در سراسر جهان بیانگر این است که علاوه بر روش‌های سنتی بودجه‌ریزی، روش‌های بودجه مبتنی بر عملکرد نیز جای خود را به روش‌های مبتنی بر تأثیر داده و سازوکارهای تأمین مالی رقابتی جایگزین روش‌های سنتی شده است تا دانشگاه‌ها بتوانند مسیر استقلال را با افزایش توان رقابتی و کاهش وابستگی به بودجه دولتی هموار کنند.

در پایان باتوجه به نبود یک مدل بومی با سنجه‌های قابل اندازه‌گیری برای ارزیابی حکمرانی نظام آموزش عالی و مؤسسه‌های آموزشی در ایران پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده، طراحی و ساخت مدل ارزیابی حکمرانی آموزش عالی با شاخص‌های قابل اندازه‌گیری و سنجش وضعیت و تغییرات آن در دوره‌های زمانی را مورد توجه قرار دهند.

References

منابع

- Agasišti, T., & Catalano, G. (2006). Governance models of university systems-towards quasi-markets? Tendencies and perspectives: A European comparison. *Journal of Higher Education Policy and Management*, 28(3). <https://doi.org/10.1080/13600800600980056>
- Ahmadi Lashaki, Q. (1396). *A comparative study of policy models of higher education systems in selected countries and presenting a policymaking model in Iran* University of Mazandaran]. Irandoc. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#!/articles/24df7f632878ca3ad2a241f355e-30bae>
- Akhavanhezaveh, F., Edjtehadi, M., Mohammaddavoodi, A., & Mohamadkhani, K. (1400). Identifying and explaining the dimensions and components of creating a role for the Board of Trustees in funding the university and its improvement. *journal of management and planning in educational system Shahid Beheshti university*, 14(1).
- Alavi, S. M., Ranaei Kordshouli, H. A., Alimohammadlou, M., & Salimi, G. (1400). Designing a Third Generation University Governance Model Using Total Interpretive Structural Modeling. *journal of management and planning in educational system Shahid Beheshti university*, 14(1), -. <https://doi.org/10.29252/mpes.2021.100668>
- Altbach, G. P. (2005). Patterns in Higher Education Development. In *American Higher Education in the Twenty-First Century: Social, Political, and Economic Challenges (2nd ed)*. The Johns Hopk.
- Asadi, M., & Marufi, S. (1395). *The position of centralism and academic independence in the internationalization of Iran's higher education system* National Congress of Higher Education of Iran. , Tehran.
- Atafar, A., Ansari, M. I., Talebi, H., & Nili Pourtatabai, S. (1388). Vision 1404 document, the law of the Fourth Development Plan and fundamental changes required by univer-

1. Hood

2. Agasisti And Catalano

De Boer & File .3

- sities. *Iranian Higher Education*, 1(4), -. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=101201>
- Berdahl, R. (1990). Academic Freedom, Autonomy and Accountability in British Universities. *Studies in Higher Education*, 15(2), 169-180.
- Berdahl, R. (2010). *Thoughts About Academic Freedom, Autonomy and Accountability* Magna Charta Observatory Seminar, Istanbul, Turkey.
- Berdahl, R. O., Graham, J., Piper, D. R., & American Council on Education. (1971). *Statewide coordination of higher education*. American Council on Education.
- Braun, D. (1999). Changing Governance Models in Higher Education: The Case of the New Managerialism. *Swiss Political Science Review*, 5, 1-24.
- Brian Austin, I. O. (2009). Understanding Higher Education Governance Restructuring: The Case of the University of the West Indies. In Virginia: faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University in partial fulfillment of the requirements.
- Capano, G., & Pritoni, A. (2018). Varieties of hybrid systemic governance in European Higher Education. *Higer Education Quarterly*, 10-28.
- Carnegie Commission on Higher Education. (1973). *Governance of higher education: six priority problems; a report and recommendations*. McGraw-Hill.
- CHANGING PATTERNS OF GOVERNANCE IN HIGHER EDUCATION. (2003). (Education Policy Analysis, Issue. OECD. <https://www.oecd.org/education/school/educationpolicy-analysis-2003edition.htm>
- Clark, B. R. (1983). *The Higher Education System*. University of California Press. <https://doi.org/doi:10.1525/9780520340725>
- Clark, B. R. (2003). Sustaining Change in Universities: Continuities in Case Studies and Concepts. *Tertiary Education and Management*, 9(2), 99-116. <https://doi.org/https://doi.org/10.1023/A:1023538118918>
- De Boer, H., Enders, J., & Schimank, U. (2007). On the Way towards New Public Management? The Governance of University Systems in England, the Netherlands, Austria, and Germany. In D. Jansen (Ed.), *New Forms of Governance in Research Organizations. Disciplinary Approaches, Interfaces and Integration* (pp. 137-152). Springer.
- De Boer, H., & File, J. (2008). *Higher Education Governance Reforms Across Europe*.
- De Boer, H. F., Enders, J., & Schimank, U. (2008). Comparing Higher Education Governance Systems in Four European Countries. In S. N.C & J. P (Eds.), *Governance and Performance of Education Systems*. Springer. https://doi.org/https://doi.org/10.1007/978-1-4020-6446-3_3
- Dobbins, M., Knill, C., & Vögtle, E. M. (2011). An analytical framework for the cross-country comparison of higher education governance. *High Educ*, 62: 665.
- Farasatkah, M. (2017). *University Occasions in Iran: New and Critical Discussions on University Studies, the Study of Science, and Higher Education*. Nashr-e Ney (Original work published 1395).
- Farasatkah, M. (2018). *University and Higher Education Global Perspectives and Iranian Problems*. Nashr-e Ney (Original work published 1388).
- Fathollahi, A., Yamini, M., Sabbaghian, Z., Faraskhah, M., & GhaziTabatabai, M. (2014). Content analysis of Iran's five development programs according to the categories of higher education governance models. *Iranian Higher Education Association Quarterly*, 50.
- HadiPeykani, M. (2009). *A model for the policy-making process in the higher education system of the Islamic Republic of Iran* Allameh Tabataba'i University]. IRANDOC. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#!/articles/8c7e7fb07da430edf5ad24c44f08ece5>
- Hailu, M. (2018). Models of higher education governance: rethinking the Ethiopian experience. *The Ethiopian journal of higher education.*, 5(1), 31-56.
- Hénard, F., & Mitterle, A. (2010). *Governance and quality guidelines in Higher Education*.
- Hood, C. (1995). Contemporary Public Management: A new Global Paradigm?l. *Public Policy and Administration Journal*, 10(2), 104-117
- Jamshidi, L. (2002). *Macro and micro requirements of privatization development of higher education in Iran* Tarbiat Moalem University,]. Irandoc. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#!/articles/7ca1c2e1256fb067da9120253898636a>
- Jongbloed, B. (2004). *Funding higher education: options, trade-offs and dilemmas* Fulbright

- Brainstorms 2004: New Trends in Higher Education, Lisbon.
- Jongbloed, B. (2008). *Funding higher education: a view from Europe* Center for Higher Education Policy Studies (CHEPS), The Netherlands
- Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2010). *The Worldwide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues*. Retrieved from <https://ssrn.com/abstract=1682130>
- Khalili, I., Khorsandi Taskooh, A., Arašteh, H. R., Ghiasi Dushan, S., & Khoda Panah, B. (2017). Historical Critical Discourse Analysis of the Autonomy of University in Iranian Higher Education System. *Iranian Higher Education*, 9(4), 29-55.
- Khalili, I., Khorsandi Taskooh, A., Ghiasi Dushan, S., & Arašteh, H. R. (2018). How to Use Power in Autonomy of University in the Iranian higher education system. *Research in Educational System*, 12(43), 7-24.
- Maggio, Z. (2011). Exploring Burton Clark's triangle of coordination in the context of contemporary relationships between states and higher education systems. In *Unpublished manuscript*. New York, USA: Department of Administration, Leadership, and Technology, New York University.
- Mardukh Rouhani, E. (2015). *Higher education policy in Iran after the 1357 revolution* Third National Conference on Sociology and Social Sciences, Tehran.
- Nafisi, A. H. (2001). *Analysis of the higher education system*.
- Nugroho, H., & Surendro, K. (2014). *Main and Support Enablers of Vocational Higher Education Governance* 2nd International Conference on Information and Communication Technology (ICoICT), Bandung, Indonesia.
- Nurakynova, S. (2018). Medical education governance based on strategic planning: An example of Kazakhstan medical universities. *International Journal of Health Governance*, 23(3), 216-225.
- Padash Zivah, H., & khoda Panah, B. (2015). Estimating the Impact of Good Governance Indicators on Knowledge-Based Economy in Selected Countries. *Planning and Budgeting*, 165-187.
- Pekkola, E., & Kivišto, J. (2016). Higher Education Governance and Reforms. In *Global Encyclopedia of Public Administration, Public Policy, and Governance* (pp. 1-13). Springer International Publishing.
- Rahman Seresht, H., & Hatami, D. (1998). State control of higher education in the Islamic Republic of Iran. *Research and Planning in Higher Education*, 15-16(6), 139-152.
- Ramezani Fahndari, H., Arašteh, H. R., Behrangi, M. R., & Nave Ibrahim, A. R. (2015). Provide a Model for Leadership to Return to the Main Path of Iran's Higher Education System. *Strategic Management Idea*, 9(2), 157-182.
- Rašteh Moghadam, A., & Naderi, A. a.-Q. (2015). Patterns of financing and extracting lessons for the Iranian higher education system. *Iranian Higher Education Association Quarterly*, 7(2), 152-113.
- Razagh Marandi, H. (2015). Effective institutional autonomy in public universities in Iran: a necessity for mobility in globalized environment [Original]. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 20(4), 1-28. <http://journal.irphe.ac.ir/article-1-2495-fa.html>
- Saint, w. (2009). Legal Frameworks for Higher Education Governance in Sub-Saharan Africa. *Higher Education Policy*, (523-550).
- Salazar, J., & Leihy, P. (2011). Keeping up with coordination: from Clark's triangle to micro-cosmographia. *Studies in Higher Education*, 1-18.
- Salimi, J., Ghasemi, M., & Abdi, A. (2019). Emerging Challenges in Iranian Higher Education and Presenting a Conceptual Model; the study of grounded theory. *journal of management and planning in educational system Shahid Beheshti university*, 12(2), 127-156.
- Snyder, H. (2019). Literature review as a research methodology: An overview and guidelines. *Journal of Business Research*, 104, 333-339. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2019.07.039>
- Taei, H., Vahidi, P., & Ghofrani, M. B. (2002). *Expert Manpower Needs Assessment Plan and Human Resource Development Policymaking of the Country*.
- Taghdiri, Z. (2015). Analysis of macro programs in the higher education system based on system theory.

- Talebi, R. (2016). *The legal system governing universities and institutions of higher education and research* [Tarbiat Modares University]. Tehran: Irandoc. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/45faf2c40d417c2ab2f288da307ab256>
- Vali Mohammadi, Z. (2018). *Analysis of Privatization Components of Higher Education in Comprehensive Universities in Tehran* [Alzahra University]. Irandoc. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/4e3cee12d81e9123571ee19f48041c64>
- Wong, G., Greenhalgh, T., Westhorp, G., Buckingham, J., & Pawson, R. (2013). RAMESES publication standards: Meta-narrative reviews. *BMC medicine*, *11*(20). <https://doi.org/10.1186/1741-7015-11-20>
- Yuzhuo, C. (2004). Governance with Respect to Higher Education in China--A View on Blurring Public/Private Boundaries in Policy Process. 17th CHER Annual Conference, Enschede.

